

حقیقت

۲۴ تیر ۱۳۵۶

شماره ۸۰۵

برگذشت زندگی یک جانباز ارتش
طبقه کارگر



اوضاع کنونی، خطر کودتا و وظایف ما

کات صلاح شمس برهان

اوضاع کنونی کشور و انقلاب ما سخت بحرانی و حساس می باشد و بیم آن می رود چنانچه چاره ای فوری و اساسی اندیشه نکرده، حاکمان گذشته با ردیگر بر ما مستولی شوند و انقلاب نابود شود.

اما میریالیسم آمریکا و ارتجاع زخم خورده پهلوی و همه عوامل و هم دستان آنها، مشغول سازمان دهی و تجهیز و تجدید قوا هستند و چندی است که آشکارا بقیه در صفحه ۲



راهپیمائی ضد وحدت!

بلوگران حزب جمهوری اسلامی (و)
همدستانان در پی چه هستند؟

بدنبال سخنرانی های اخیر آیت الله خمینی و دعوت آیت الله منتظری، راه پیمائی ارتجاعی جمعه ۱۳ تیرماه پیش از پیش ورشکستگی قشری گری و مشروع طلبی گروه های اسلامی دو آتشه

را نمودار ساخت. از دو میلیون و چند هزار نفری که در زمان قطع رابطه سیاسی با آمریکا و در زیر شعارهای خدا میریالیستی به خیابان های تهران آمده بودند، فقط بقیه در صفحه ۸

فاصله بین سرمایه داری و سوسیالیسم
دره عمیقی است که خاکستر گه و نیستها
باید آنرا پر کنند

او همیشه به رفقایش میگفت: "آزادی خونبهای شهیدان است"

در صفحه ۱۱

اوضاع کنونی، ۰۰۰۰۰

ری تشکیل شده و تحت فرماندهی سازمان "سیا" به خرابکاری بر علیه انقلاب ماسفولند، اینها و دهها نمونه دیگر آشکارا

بقیه از صفحه اول

نشان میدهد که میریالیسم آمریکا و دستپرووردگان مزدور ایرانی اش در تدارک کودتا هستند و مترصد فرصتی میباشند تا مقاصد خود را عملی گردانند.

تدارک کودتا برای آنها فعالیت در دو عرصه را معنی میدهد. یکی سازماندهی و تجهیز و تجدید قوای خود و دیگری دام زدن و سوءاستفاده از نا رضایتیهای موجود بمنظور فراهم آوردن جواز ضروری جهت عملی گردانیدن کودتا. در عرصه اول، ایجاد دو تقویت و تسرسن شبکه های کودتا گران و عوامل ساواک و ارتش و نیروهای مسلح و مزدور فئودالی و عشیره ای در دستور کار بوده و سواهد کونا گونی نشان دهنده حرکت آشکار آنان در این زمینه میباشد. سکیلاب های کودتاساگری چون "ارمن های بختی" ایران"، "فرزندان شیر و خورشید" و "مانا لیم که همگی از اعراد ساواکی و وابستگان سرمایه داران و زمین داران بررگ و مرتجعین ارتشی تشکیل شده است نمونه این حرکت میباشد. در کانونون اسران باز نشسته فعل و انفعالات کاملاً متکوکی به جسم میخورد، در نواحی مرزی کردستان (چون ساوا و اورامانات) خوانین مرتجع و وابسته محلی در اشراف

تعرض خویش را بر علیه انقلاب مآغا ز کرده اند. دستگاه های وسیع تبلیغاتی و سایعه - ساراکنی این کانون های ارنجایی، روزمره برانقلاب مامی نارند و از نا رضایتیهای موجود بسود خویش بهره میگیرند و سوا سانی خود را در نا توانی محافل حاکم جاسجو میکند. دستجات مخفی عوامل ساواک و سرمایه داران و فئودالیهای بررگ که همگی از انقلاب ماصربه دید و دشمن آسی با سراسر آسند، بچود سر و سامان داده و حتی جاسراب کرده بفع ساوا و ساحتیار بطا هراب های موضعی و سعاروسی بسر درودیوار بر راه سیاندا زسد، عوامل ریکاریک امیریالیسم و ارنجای در برخی از سوارهای مرری کسور (چون منطقه مرری کردستان و بلوچستان) و در میان برخی اعراد ساجات مسلح و مزدور خویش را بر راه ندا حتیه در تدارک یورش بر علیه انقلاب مامی باسد، نیروی دریائی سجا و ریکار امیریالیسم آمریکا کماکان در مرزهای جنوبی کسور و دهانه خلیج فارس مستقر است و سفاکداران در یائی آمربکا در عمان و برخی از سیح سسن ها در حال سب آما ده با سب سب سب سب سب و اسرا ثیل و عراق کانون های متسکل ارنجای با سرکس اسران و ساواکیهای سزارای و با سول آمریکا و ساواسرما - سدااران و فئودال های فرا

روشن با عوامل آمریکا و دربار پهلوی و بختیار رورژیم بعسی عراق به تسلیح و سازماندهی و اجیر کردن تفنگچی مشغولند و برخی از آنها تا یک هزار مزدور مسلح در اختیار دارند. خود فروختگانی چون علی قاضی (عامل سیا) مقصدار زیادی اسلحه وارد کرده و تفنگچی استخدام کرده اند. در بلوچستان سدا ره های مرتجع محلی نیز به میمن ترتیب مشغول تجهیز و سازماندهی هستند. در مناطقی دیگری چون فارس و خوزستان نیز سوا هدزیدای دال بسر حرکات متا بهسی دارند. در تهران و سایر شهرهای بزرگ امرای بازگشته و با تصفیه سده ارتش جلسات مخفی تشکیل داده، میان خود ارتباطات توطئه گرانه ای برقرار مینمایند و محافل سرمایه داران و فئودال های بزرگ و روشنفکران منتسب به این محافل نیز کانونهای توطئه گرانه برپا داشته، عوامل ساواک نقش رابط و سازمانده میان همه این محافل و کانون ها را ایفاء میکنند. در درون ارتش دستهای زیادی در کارند تا شرایط را جهت انجام کودتا فراهم نمایند که نمونه ای از حرکتشان را در جریان حمله نظامی آمریکا در طیس ساهد بوده ایم. بیک گلام، تشکیل و تقویت و سازماندهی و تجهیز محافل و کانون ها و شبکه های کودتا گران را جریان داشته بی هیچ شک و شبهه ای نشان دهنده تدارک برای کودتا است.

در عرصه دام زدن و سوء استفاده از نا رضایتیهای موجود، بلندگوهای تبلیغاتی اویسی و بختیار، به سراه رادیوهای آمریکا و انگلیس و اسرا ثیل و آلمان و عراق، فعالانه بکار مشغولند و کما

زا رگسترده ای را علیه انقلاب مآغا ز کرده اند. عوامل همین نیروها نیز در میان مردم ماب سابعه پراکنی و تشدید تها و سوا استفاده از نا رضایتیهای عمومی مشغولند و هیچ فرصتی را جهت خود نمائی و بهره برداری از دست نمیدهند. هدف این کارزار شوم ایجاد جو مخالفت یا بی تفاوتی نسبت به انقلاب و سست گردانیدن ایمان مبارزاتی مردم است. از یک سوا عامل همین محافل کودتا گر، دست به احتکار زده و بدست عوامل سرمایه داران و فئودال های بزرگ و وابسته، به اقتضا دکشور ماصربه میزنند و بروخامت اوضاع اقتصادی، کمیابی و گران و تورم میافزایند و نا میتوانند به زمینهای نا رضایتیهای عمومی پا میدهند و از سوی دیگر بلندگوهای تبلیغاتی و عوامل دیگرشان میکوشند تا از این اوضاع نا بسامان (کد خود مسبب اصلی اش هستند) به سود خویش بهره گیرند و در اطراف تبلیغات مسموم بر راه اندازند. سروکله شوم آنها هم در صدهای خرید کالاهای کم یاب و گران پیدا میشود و هم در انبارهای کالاهای احتکار شده، آنها را هم میتوان در آس ارتش موجود یافت که فرمان کشتار خلق کرد را صادر میکنند و هم در صدهای مخالفین آنها در کردستان، سرمایه داران آنها از یک سوا کالاهای مواد اولیه ضروری کارخانه ها را احتکار کرده و در کار تولید خرابکاری مینمایند و هم موجبات بیکاری و خراج کارگران و هم کمیابی و گران کالاهای فرا هم می سازند و از سوی دیگر خود را قاطی صفوف مردم نا رضی و معترض کرده، تبلیغات شوم خویش را میپراکنند.

برای درهم شکستن تدارک کودتا، باید فعالیت کودتا بقیه در صفحه ۳

اوضاع کنونی ۰۰۰۰۰

• تدارک کوتا برای آنها فعالیت در دو عرصه را معنی میدهد. یکی سازمان
 های و تجهیز و تجدید قوای خود و دیگری دامن زدن و سوء استفاده از با رضایتی های
 موجود و منظور فراهم آوردن حوالزم و ضروری جهت عملی گردانیدن کودتا .

بقیه از صفحه ۲ =

شاگردان را در هر دو ایمن
 عرصه ها عقیم و خنثی نمود.
 جریان تدارک کودتا چنانچه
 از همین امروز در هم شکسته
 نشود و این تدارک چنانچه با
 موفقیت به پیش برود، آنوقت
 ملت ما با ماثب بسیار
 بزرگتری روبرو خواهد گشت،
 که پیروزی بر آنها تسلان و
 نیروی بمراتب بیشتر را
 طلب خواهد کرد .

کودتا با لاجباز یک
 دوره تدارک میگذرد، که در
 آن کودتا چنان زمینه های
 عملی و ذهنی کودتا فراهم
 کرده، با مناسب شدن فرصت
 آنها با اجرا میگذرانند. در هم
 شکستن تدارک کودتا همان
 قدر اهمیت دارد که در هم
 شکستن خود کودتا. آنها که
 خوشحالیانه در انتظار کودتا -
 پندتا بر علیه آن برخیزند و
 یا اصولا چنین خطری را باور
 ندارند، باید چنان خود را
 با زکند و خواب بسیار
 شوند و جریان تدارک ایمن
 کودتا را که در برابر چشما -
 نشان صورت میگیرد ببینند .
 برای در هم شکستن
 تدارک کودتا باید منابع و
 ابزارهای اصلی کودتا را
 شناخت و آنها را سرکوب نمود.
 این منابع اصلی همانطور
 که پیشتر نیز متذکر شده ایم
 عبارتند از :

الف - قوای سه گانه
 هوایی، دریایی و زمینی
 کشور، ب - کانونهای توطئه

یا لیسم و ارتجاع زخم خورده به
 منظور با زگشت سلطه شان
 تدارک میبینند، محافظ
 حاکمه سر تا ن به کار خود گرم
 بوده، زمینه را برای بهره
 برداری کودتا چنان و ارتجاع
 و صیریا لیسم آماده میسازند.
 از آن بخشهایی از محافظ
 حاکمه که خود دستی در ایمن
 کودتا دارند و خط ارتباط با
 امپریا لیسم آمریکا و ارتجاع
 می باشند که بگذریم (زیبرا
 تکلیف ایمنان روشن است)
 باقی نیروهای شرکت کننده
 در هیئت حاکمه نیز هر یک به
 نوعی و به درجه ای در ایمن
 زمینه سازی ها سهیم اند و بی
 آنکه خود بداند و یا حتی
 بخوانند، راه را برای بهره
 برداری کودتا چنان و هم -
 دستان آنها هموار میسازند.
 در عرصه فعالیت محافظان و
 شبکه های کودتا چی جهت
 سازماندهی و تجدید قوا، عملا
 دستشان را با زگذا رده اند و
 حتی برخی از آنها را نیز زیر
 بال و پر خود گرفته اند.
 بسیاری عوامل ساواک که به
 لطف عفو ما آزاد شده و بی
 قرار منع تعقیب مانده اند.
 است، از این فرصت استفاده
 کرده، مشغول سازماندهی و
 تدارک هستند و میان آنها شی
 که امروز زیر لوای "ساواک"
 در "خدمت" جمهوری اسلامی
 ایران هستند و آنها شی که
 خارج از دستگاره حکومت قرار
 دارند، ارتباط برقرار بوده
 هر یک بخشی از این توطئه را
 به پیش میبرند. دگرگونی
 بنیادی ارتش و ایجا دنیرو -
 های مسلح مردمی صورت
 نگرفته و بسیاری از سران
 بدست باقیه و وابسته به آمریکا

سازش و مما سات با منا -
 سبات و نهادهای مانده از رژیم
 گذشته و حدا گنر مردم در ایمن
 مناسبات و نهادهای نتیجه ای
 نیز جز این نتوانند داد. آنها
 از مبارزه قاطع و ریشه ای با
 اساس نظام وابسته گذشته
 عاجزند و دگرگونی اساسی این
 مناسبات در کفایت و لیاقت -
 شان نیست و اینرا حدود یکسال
 و نیم حکومت آنها نشان داده
 است .
 این محافل و شخصیتها،
 بجای کوشش در جهت متحد
 گردانیدن مردم در مبارزه علیه
 امپریا لیسم و ارتجاع، بتفرقه
 و نفاق در صفوف مردم دامن
 زده، زیر عنوان "حفظ امنیت"
 بقیه در صفحه ۴

و گروههای ضربتی مسلح در
 میان خوانین عشایر، سرما -
 به داران و وابسته و فئودالها
 و طبقات مرفه شهری -
 چ - شبکه های مخفی ساواک و
 جاوسان بیگانه (در ادارات
 دولتی و کمیته ها و سایر مراکز
 حواس دولتی و خارج از دولت)
 د - جناحی از روحانیت
 حلقه زده بگرد و حانی ها و
 شریعتمداری ها و عناصر و
 جریانات معلوم الحبال و
 یا منبری های کودتا چون
 بهشتی ها و آیتها و فلسفی ها
 و حجازی ها و امثالهم، ه -
 عمال و وابسته به سفارت های
 انگلستان و آلمان و
 (رجوع کنید به "حقیقت" شماره
 ۷۱ - ۲ خرداد ۵۹، مقاله
 "هدا ربه همدان انقلابیون و
 مردم ایران")
 این پنج منبع تحت
 فرماندهی امپریا لیسم
 آمریکا و ارتجاع زخم خورده
 بهلوی ویا در همدستی و هم -
 راهی با آن در تدارک کودتا
 هستند و بدین منظور به سازماندهی
 ما ندهی و تجهیز قوای خویش
 چه در داخل و چه خارج از کشور
 و بر راه انداختن کسار زار
 تبلیغاتی بر علیه انقلاب ما
 برخاسته اند. وظیفه همه
 مردم و همه نیروهای آزادی
 خواه و انقلابی است که برای
 کانون های کودتا خیز حمله ور
 شوند و آنها را از ریشه ساقط
 نمایند .
 اما در حالیکه صبر -

اوضاع کنونی ، ۰۰۰۰

بقیه از صفحه ۴

نقش تعیین کننده ای نخواهد داشت. این انحراف کهریشه در گذشته‌ها دارد. بهترین وجه در جریان وقایع پس از اشغال

علیه امپریالیسم و ارتجاع ارجح میدانند، در عمل به موضعی در می‌غلطند که تنها با بطن فدا انقلاب بوده و تنها تسویق آنان را برمی - انگیزاند، همانطوریکه سوسیالان را پس از نطق بر علیه مجاهدین خلق - انگیخت.

در جنبش انقلابی چپ و دمکراتیک و همچنین در درون جنبش کمونیستی ایران، متاسفانه تمایلات و نظرات انحرافی و نادرستی جا گرفته است که هر یک بنوعی به اهمیت مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و خطر کودتای آمریکا نمی‌کمبها میدهند و آنچنان در "توهمات" خود غرقند که شاید صدای تا نکهای کودتای چپ نیز آنان را از این خواب خرگوشی بیدار ننماید و اگر هم بیدار نشاند، آنقدر دیرخواه بود که بهتر که دوباره چشمانشان را ببندند و وجدان خود را از عذاب مشاهده کشتار روحشایانه مردم بیچاره ما راحت گردانند.

بسیاری از گروه‌های جنبش انقلابی ما و بویژه جنبش کمونیستی، متاسفانه در تشخیص تضادهای اساسی این جامعه و خطراتی که انقلاب ما را تهدید میکند به خطا رفته و توجه مرکزی خویش را معطوف مسائل میگردانند که مسائل اساسی این انقلاب نبوده، در سر نوشت آن

آن کنا رکشنند و بهمین ترتیب نیز بر خطریک کودتای آمریکا نمی‌پرده پوشا نند، با چنین ارزیابی‌ها نمی‌توانند معتقدین با آن چنانچه در بره‌های خود صادق باشند در زمان وقوع کودتا نیز با خود را کنا رکشنند زیرا در دعوی دوبرتجیع که نمی‌توان سمتی گرفت! رفقای "رزمندگان" نیز کلاً امکان وقوع و بی ضرورت وقوع چنین کودتایی را نفی میکنند و حتی در اثبات "واهی" بودن امکان چنین چرخشی، مقاله‌نیز نوشته‌اند، جامعه سرمایه‌داری وابسته است و رژیم حاکم هم نماینده و مدافع سرمایه‌داری وابسته و مسئله مرکزی

● برای درهم شکستن تدارک کودتا، باید فعالیت کودتاگران را در هر دوی این عرصه عقیم و خنثی نمود. جریان تدارک کودتا چنانچه از همین امروز درهم شکسته شود و این تدارک چنانچه با موفقیت به پیش برود، آنوقت ملت ما با مصائب بسیار بزرگتری روبرو خواهد گشت، که پیروزی بر آنها تلاش و نیروی مبراتب سبب را طلب خواهد کرد. کودتا با لاجرا از یک دوره تدارک میگذرد، که در آن کودتاچیان زمینه‌های عملی و ذهنی کودتا را فراهم کرده، با مناسب شدن فرصت آنرا احراز می‌کنند. درهم شکستن تدارک کودتا همان قدر اهمیت دارد که درهم شکستن خود کودتا. آنها که خوشحالیانه در انتظار کودتای تاجر علیه آن برخیزند و با اصولا چنین خطری را باور ندارند، باید چشمان خود را با زکند و خواب بیدار رشوند و جریان تدارک این کودتا را که در برابر چشمانشان صورت می‌گیرد بسینند.

مبارزه هم مبارزه با ایمن "سرمایه‌داری" و نمایندگان آن است و آمریکا نیز از طریق همین دولت منافع خود را بر آورد میگرداند و دنیا زبسه کودتا ندارد. خطر کودتا از نظر آنها همانند جریانی اشغال سفارت یک توطئه‌ای است که جهت منحرف گردانیدن اذهان مردم از مبارزه علیه این "سرمایه‌داری" عنوان شده و توجه آن بمعنسی افتادن در دام تبلیغات هیئت حاکمه سرمایه‌داری است. رفقای "رزمندگان" به شکل ظریف همانند قدیم

"جبهه متحد علیه فاشیسم" را دوباره رو کرده اند و برای این عقیده‌ها ندکه خطر اصلی که فعلا انقلاب ما را تهدید می - کند نه کودتای آمریکا نمی‌تواند بلکه فاشیسم همین هیئت است که ما است و در نتیجه مجاز است که با مخالفین ایمن فاشیسم (ازبنی صدر گرفته تا دموکرات‌های انقلابی) در یک جبهه متحد در دفاع از "آزادی‌های دموکراتیک" متحد شد. البته فاشیست‌ها از نظر آنها طیفی از مخالفین امپریالیسم (چون خمینی) را تا همدستان امپریالیسم (بهستی و امثالهم) در بر می‌گیرد و وقتی هم که جبهه بندی را بخواهیم بر چنین

اساسی استوار کنیم و در ارتز - یابی از ما هیئت نیروها بخطا رویم، چاره‌ای نیز جزایمن نخواهیم داشت. رفقای "وحدت انقلابی" برای این عقیده‌ها اند (و یا بهتر است بگوئیم تا قبل از تجدیدنظر در پلاتفرم اولیه گروه‌های بنیان گذار وحدت انقلابی بر این عقیده بودند) که چنانچه امپریالیسم آمریکا به ایران تهاجم کند و یا کودتا می‌تواند آمریکا را بدهد، از محافل مخالفت امپریالیسم در حکومت در برابر آمریکا دفاع

اوضاع کنونی، ۰۰۰

بقیه از صفحه ۵

مواضعتان نیز تجدید نظر کنید، آنوقت باید بگوئیم که رفقا، فرصت دارا ز دست می رود. نگذارید تا ریخ در مورد ما هما نظور قضاوت کند

امپریالیسم شوروی، تکلیف ما روشن است، اینان گرچه زیاده دما ز آمریکا و خطر آمریکا میزنند و "خطر" آنرا "جدی" قلمداد میکنند، لاکن هدفشان نه آزادی و استقلال ایران از یوغ امپریالیست ها، بلکه کسائیدن ایران به زیارتقیادسوسیال امپریالیسم شوروی است، آنها می خواهند کودتای آمریکا شی را به یک ضد کودتای روسی (که خود ایضا کودتای برعلیه مردم ما است) تبدیل گردانند و از این روا مرور خود را ضد کودتا مینامند، ما در "حقیقت" (شماره ۲۲) مختصات حرکت کودتای این دارودسته های مزدور بیگانه را بر سر مدیم و نیک میدانیم که اینها در صو-

● محافل حاکمه (ارآنها شی که خود دسنی در کودتا دارند و همدست کودتاچیان خواهند بود، چون ساندستنی - آیت که بگذریم) با دنبال کردن یک ساس لیرالی و مماشات جوئی با مسائات و سها دهای مانده ار رسم گذشته و اعمال سیاستهای اعدای برعلیه پیروهای مرمی و حوا - ستهای اساسی زحمتکشان اریکسوودسائل کردن و محمل خواسته های گروه خاصی اروحا بیون و "شرع" ساط طبع اسن دسته، به اوضاع حساس و سحرانی کسوسی دامن زده، رسنه را برای بهره برداری ارتجاع و امپریالیسم آماده می سازند.

بر اساس مسائل خودشان هستند و آشکارا همه چیز را از این دریچه می بینند، که در عمل توجه لازم را نسبت به این مهم مبذول نداشتند و یا حرکت خویش را بر اساس صف بندی با آن جناح ها شی از هیئت حاکمه در این زمینه استوار کرده اند که خودش یکپایه مماشات با آمریکا و زمینه سازی جهت کودتاست و بسا منابع اصلی کودتا سازش میورزد، این روش و این طرز برخورد با یحتما کننار گذاشته شود و در اینجا روی سخن ما بویژه با "سازمان مجاهدین خلق" می باشد، در مورد دارودسته حزب توده و سایر یادی سوسیال

خواهند کرد، لاکن چنین بنظر میرسد که این رفقا نیز یا این حرفها را اطلاق ندارند و یا آنها را جزء مواضعی میدانند که برای ویتترین پلاتفرم ها تهیه شده و جنبه عملی ندارد. میگوئید چنانچه حمله یا کودتا شود فلان خواهیم کرد، بسیار خوب، الان در حال تدارک حمله یا کودتا هستند. بفرمائید کاری کنید، در یک جنگ معمولی هم وقتی دشمن تدارک حمله را می بیند و به نقل و انتقال قوا و تحکیم مواضعش می پردازد، طرف مقابل هم دست روی دست نگذاشته، خود تدارک می بیند و در عین حال میکوشد تا در کار تدارک طرف مقابل لاقول خرابکاری کند، آن فرماندهی که دست روی دست می گذارد تا دشمن حمله کند و بعد تا ز به تدارک مقابلت می پردازد، از قبل آماده گی خود را برای شکست به دشمنش اعلام کرده است، البته گفتن نیز دارده که شاید کودتا از نظر شما مدتها پیش صورت گرفته و یا مثلا در جریان یورش به دانشگاه ها که شما آنرا "کودتا" نامیدید قائل قضیه کننده شده باشد، که در این صورت پرواضح است که صحبت از کودتا برایتان همان نظور جالب خواهد بود که صحبت از تاریخ گذشته و داستان پسر داریهای کهنه شده، اما اگر چنین نمی بیند اید و امیدوار

همه هیئت که بنیاد ریست و در

قرار داشته و یا از طریق جناحهای یا اصطلاح انقلابی رویزیونیسم نسبت به این دارودسته نظرمسا عدی پیدا کرده اند را به جایگاه و نقش این بنگاه سوسیال امپریالیسم شوروی و بر سایرها شی که در سردار دطلب نما شیم و بر ضرورت پشت کردن به آن بافتاری نمائیم.

"رهبران فدائی" زیر لوای مبارزه با آمریکا، کرس به شوروی و کار برداری برای آنرا بیشه ساختند و حرکت خویش را بر این اساس استوار کرده اند و از سوی دیگر در برابر اسازسکان سر خم کرده و علاوه بر آن به دست و پرخاست با بهستی که خود دستی در حرکت کودتا خواهد سپردا خنانه اند که هیچکدام راهی بسودج لوقیری از کسود دناي آمریکا شی نخواهد کسود. جا داردا آندسه از کسانیکه کماکان ارایسی سیاست و حرکت ورهبری پستیانی میمانند یحود آمده حویسن را با زیحسه حرکتی که منفعتش در نهایت به جیب مگومیریزد نکرده اند در اینجا ضروری میسر

هست با اساره ای سیرجریان نسبت با آنها نیز هوسیا ربود و اجازنه ندا دتا میهن ما را به انقیادیک ابر قدرت دیسگر در آورند و بر سر کشور ما همان آورنده که امروز دارند بر سر خلق برادرافغانمان میا - ورند، اینان در حالیکه در ظاهردما رمبراز علیه آمریکا میزنند، در خفا در ارتباط با سفارت شوروی و سازمان جاسوسی "کاگب" (که دست کمی از "سیا" ندارد) قرار داشته نقشه های شومی را در سردارند. ما لازم میدانیم تا توجه همه آن جوانان انقلابی که تحت تاثیر تبلیغات عوام فریبانه این دارودسته

منتخب سربازان و درجه داران انقلابی و میهن پرست و ایجاد دستجات مسلح مردم زیر نظر انجمن های ضد امپریالیستی محلی

کمه و مجازات با ندهای توطئه گران ارتجاعی لانه کرده در "شورای انقلاب" و "دولت" و مجلس شورا و افشاراد بدسا بقه ای چون بهشتی، آیت، فلسفی و حجازی و امثالهم که هر یک پرونده های خوش خدمتی به رژیم گذشته را دارند.

دموکراتیک کاربا شرکت و نظارت نمایندگان منتخب کارگران و بویژه لغو فوری ماده ۳۳ قانون کار پس مانده از رژیم گذشته و برسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض و جهت کسب حقوق سیاسی و اقتصادی کارگران.

۱۵ - تامین کار و

امکانات واقعی برای بی کاران و ممانعت از اخراج کارگران شاغل.

۱۱ - صادره و ملی

کردن کلیه کارخانجات و سرمایه های وابسته و قطع حمایت دولت از آنها.

۱۲ - صادره و تقسیم

اراضی فئودال ها و زمین داران بزرگ بدست شورا های منتخب دهقانی و تاملین

نیا زمیندیهای کشاورزی دهقانان از قبیل وام بدون بهره درازمدت، ماشین آلات

کود و بذور آب و تشکیلات دستجات مسلح دهقانی زیر

نظر شوراها و انجمن های دهقانی بمنظور مقابله با حرکت ارتجاع و امپریالیسم

و حراست مستقیم زخرمن ها و مقابله با دستجات مسلح فئودالی

۷ - قطع بلاد رنگ جنگ

کردستان و تحقق خواسته های بحق ملی و دموکراتیک خلق کرد و سایر ملیت های ستم

دیده ایران و تاملین وحدت ملی مردم سر تا سر ایران بر این اساس.

۸ - تاملین و تضمین

کلیه آزادیهای دموکراتیک از جمله آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات و آزادی احزاب و جمعیت ها و جلوگیری قاطع از فعالیت

عناصرو جریانات وابسته به بیگانه و مرتبط با محافل و شبکه های کودتاگر.

۹ - برسمیت شناختن کلیه شورا های واقعی کارگری بعنوان سنگرهای مبارزات ضد امپریالیستی، قطع حمله به شورا های کارگری و

آزادی کلیه کارگران زندانی، تدوین یک قانون

۹ - کشف و نابودی دستجات و کانون های مزدور ارتجاعی "ارتش رهایی بخش ایران" و "فرزندان شیر و خورشید" و امثالهم.

۴ - خلع سلاح فوری دستجات مسلح مزدور فئودالی و خوانین مرتجع عشایر و دستگیری و مجازات سران آنها بویژه در کردستان، فارس

بلوچستان و خوزستان. ۵ - دستگیری و مجازات شدید محتکران کالا و مواد اولیه کارخانجات و

ارزاق و مایحتاج عمومی و سپردن امور کنترل بر توزیع مایحتاج عمومی بدست

کمیته انجمن های محلی منتخب مردم و سپردن امور کنترل بر تولید و توزیع محصولات کارخانه بدست

کمیته های منتخب کارگران و کنترل قیمت ها برای اساس.

۶ - دستگیری و محاربه

اوضاع کنونی، ۰۰۰۰۰

بقیه از صفحه ۶

قدمهای اولیه در این جهت میباشند.

۲ - دستگیری و مجازات عناصر و اکی و خود فروخته، لغو فرمان عفو عمومی و احکامی که به آزادی

آنان منجر شده و انتشا رهرجه فوری ترلیست اعضاء و منابیع و همکاران ساواک، تصفیه کلیه ادارات و مراکز کشوری و

لشگری از این عوامل و انحلال فوری ارگان های که با استفاد از این عوامل

بازسازی شده اند. ۳ - کشف و نابودی دستجات و کانون های مزدور

ارتجاعی "ارتش رهایی بخش ایران" و "فرزندان شیر و خورشید" و امثالهم.

۴ - خلع سلاح فوری دستجات مسلح مزدور فئودالی و خوانین مرتجع عشایر و

دستگیری و مجازات سران آنها بویژه در کردستان، فارس بلوچستان و خوزستان.

۵ - دستگیری و مجازات شدید محتکران کالا و مواد اولیه کارخانجات و

ارزاق و مایحتاج عمومی و سپردن امور کنترل بر توزیع مایحتاج عمومی بدست

کمیته انجمن های محلی منتخب مردم و سپردن امور کنترل بر تولید و توزیع محصولات کارخانه بدست

کمیته های منتخب کارگران و کنترل قیمت ها برای اساس.

۶ - دستگیری و محاربه

آسیاب آمریکا های ندارند و دنباله روی از آنها در خدمت ضربه زدن به انقلاب مامی باشد.

۴ - در شرایط حساس کنونی که خطر یک کودتای آمریکا کی کشور و انقلاب ما را

تهدید میکند و ارتجاع و امپریالیسم زدرون و بیرون در تدارک آن میباشند، ضروری

است تا تاکتیک ها و برنامهای خویشتن را بر اساس پاسخگوئی به مسائلی که در

هم شکستن این تدارک ارتجاعی و آماجگی در برابر کودتای امپریالیستی نیاز

دارد استوار گردانیم و با نظر گرفتن اوضاع عمومی کشور و انقلابمان، تضادهای

اساسی و عمده و گذاردن لبه تیز حملات خود در دوره کنونی

جهت درهم شکستن توطئه های ارتجاع و امپریالیسم حرکت کنیم و جبهه انقلاب را در

برابری توطئه ها مسلح گردانیم، از اینرو جامة عمل پوشاندن به خواسته های

فوری زیر ضروری بوده، راه را جهت درهم شکستن تدارک کودتا و آماجگی انقلاب بسرای

مقابله با کودتای آمریکا ای هموار میسازند:

۱ - دگرگونی بنیادی ارتش و ایجاد ارتش توده های مردم، در این زمینه تصفیه فوری و انقلابی افشاراد و

امرای بدسا بقه نیروهای سه گانه و سپرده اداره امور این نیروها بدست شورا های

حقیقت



**ارگان اتحادیه
کمونیستهای ایران
را بخوانید و پخش کنید**

راه پیمائی ضد وحدت

بقیه از صفحه اول

آن چند صد هزار نفرش، و شاید هم نه بیشتر از دو بیست هزار نفر، برای اعلام هواداری از قشری گری ارتجاعی فتنه جویان مشروع طلب درخیا - بانها حضور بهم رسا نیدند - و آنهم بیشتر بخاطر پیشداوری - های قبلی شان!

راه پیمائی روز جمعه ۱۳ تیرماه و مقایسه آن با راه پیمائی های گذشته نشان داد که توده های وسیع مردم حاضرند علیه امیرالایسم و دشمنان واقعی انقلاب ایران همراه با روحانیون و درهم - بسگی با آیت الله خمینی به قدرت نمائی برخیزند و اعلام آمادگی کنند؛ لیکن حاضر نیستند بخاطر قدرت - ستمائی ملایان مشروع عیسی و همچنین برای اعلام همبستگی با قشری گری آیت الله خمینی به خیا بانها بیایند و راه به بلوایان ارتجاعی دهند.

در مدکم توده خورده بورژوازی شهری که به همراه نجار و تومبیل سواران با - زار و بخشی از روحانیون به خیا بانها آمدند، سیرن زولی وحدت " امت " با قشری گری امام و با زیجه سدن وی را در عرصه رفاه پیمائی گروهی و دسایس دشمنان انقلاب مردم ما، نسبت به اعلام وحدت های گذشته، بر ملا ساخت. طی راه پیمائی کذائی جمعه حتی یک شعار هم علیه ایادی ساه و آمریکا، ابر قدرتتها و شیبا - طین ریز و درستی که انقلاب

مردم علیه آنها جریان داد داده نشد. بلند گوها حتی بر علیه دستگاه داری فاسد، دیوانسالاری و فرهنگ استعماری و تباه

نوارهای آیت بسروی آب افتاده بود، از این وضع برای تغییر جو سیاسی بنفع خودنهایت استفاده را بردند. البته یک ویژگی همه دست - اندرکاران دولت و " شورای انقلاب " میباشد، که از حرف ها و پیمائی خمینی، آنچه بخودشان بر میگردد و بجا - نبی از نظام فاسد گذشته و امپریالیسم را مورد حمله قرار میدهد، فوراً حذف و یا ماستمالی شده و آنچه علیه نیروهای انقلابی و مبارز مانند مجاهدین میباشد و یا به عوالم قشری و منافع امتیاز طلبانه روحانیون خدمت میکنند فوراً توسط این بی آن جناح برجسته میشود و جنبه عملی بخود میگیرد.

های الحادی و التقاطی " که " بسیاری از جوانان پاکدل ما را به انحراف کشیده اند "، بعنوان " ضد انقلاب " محکوم کرده اند و " خواستار انحلال " آنها شده اند. شاه مخلوع با آن یدبیطاقتش نتوانست این " گروه های الحادی و التقاطی " را منحل کند، حضرات بهشتی و آیت و طایفه شان میخواستند اینکار را بکنند؟! این حضرات توطئه گر، که در این او آخر پتهدسیسه چینی های ارتجاعی شان و روابط پنهان شان با مظفر بقائی مزدور و خائن بر ملا گردید، گوئی با صدور چنین قطعنامه و ایجاد بلوا بگردان قصد انتقام کشی در سر می پروراندند. این حضرات نیک میداند که بخش

● اهداف راه پیمائی بطور مشخص باب طبع آن محافل قشری و امتیاز طلب از روحانیونی بود که آیشان با اقتضای عقب مانده بورژوازی، دلالتها و تجار عمده و همچنین ملاکین بیک جوی میروند - چنانکه آقای گلپایگانی ارباب مآب بیدرنگ به استقبال و تائید مشتاقانه اهداف آن پرداخت.

قطعنامه از پیش تنظیم شده راه پیمائی کذائی آنچه نداشت یک محتوای فدا میر - یالیستی و بیان دردی از دردهای توده مردم بود. البته نویسندگان قطعنامه کذائی، که از همان دارو دسته های معلوم الحال بهشتی و آیت و شرکاء هستند، از واژه های " انقلاب " و " انقلابی " زیاد استفاده کردند، لیکن تنها برای آن که انقلاب را ضد انقلاب و انقلابی را ضد انقلابی جا بیه زیند و توی چشم توده های که برای آزادی و سعادت خویش به انقلاب برخاستند خاک به پاشند. تنظیم کنندگان قطعنامه کذائی با حالتی حق بجانب و از خود راضی همه گروه های انقلابی و ترقی خواه کشور را زیر نام " گروه - عظیمی از همان توده های که برای راه پیمائی روز جمعه آمده بودند، اگر به مفاد این قطعنامه از قبل با خبر بودند، اصلاً به خیابان نمی آمدند و به روبا صفتان نشان می - دادند که این نه " گروه های الحادی و التقاطی " بلکه این دارو دسته بهشتی - با هنر - آیت - بقائی و شرکاء هستند که دیگر " برای ملت ایران قابل تحمل نیست " و مصرا " خواستار انحلال شان هستند - و منحلشان هم خواهند کرد!

در ۱۶ بند قطعنامه صحبتی از حقوق کارگران و دهقانان و مردم رنج دیده ایران نیست، حمله ای به عمال شاه و بختیاروسا و اکی - ها، فتوایها و سرمایه داران ضد انقلابی و محترکان و دزدان

بقیه در صفحه ۹

● هدف آسپاردن بحبا روستیا رچی های حائس سیست ، بلکه بیشر در قابت ارتحا - عی خودا امرادی ماسدسی صدرو گروههای لیبرالی سربک در قدرت است ، تا همه قدرت را بسرف خود در آورده و بقول شادروان طالفاسی "استبداد زیر پرده دین" خود را ، که راهی بحر همدسی با امیریا لیسمدارد ، بیاده کند

راه سیاسی ضد وحدت

- بقیه از صفحه ۸ -

همدستان بقائی مزدور ، انقلابی و در کنف حمایت اسلامی گذاشی ایشان هستند . آنها جنم ندارند که گروههای انقلابی ایران را مسلح ببینند ، همانطور که سردار اسعد ها و ناصر الملک ها هم در زمان انقلاب مشروطه چشم دسدن مجاهدان مسلح آن دوره را نداشتند ! همانطور که سنی امه "اسلامی" چشم دسدن گروههای مسلح با بگ و ما زیار " غیر اسلامی " را نداشتند ! بعلاوه در قطعنا مه گذاشی کنکمش های ارتجایی حاسهای رقیب در قدرت و طمع ورزی دارودسته انحصار طلب هستی - آب و سرکاء کا ملا عربان گشته است . آنها که در بند ۱۴ قطعنا مه به طرفداران مصدق ، بیایا آنها شکه زیر نام مصدق و ملی کری خود را سبها ن ساخته اند ، اساره میسود ، منظور نبود بسندگان بخنیا روستیا رچی ها و مثلا حزب ایران و امثال آن سمیاند . اگر چنین بود بروسنی و وضوح مینوشتند و اعلام میکردند ، به آنکه بجای حمله به عمال بختیا روسا ه و آمریکا ، حمله خود را متوجه آن جریا ساتی کنند که امثال بختیا را از آن زاده سده اند (نگاه کنید به قطعنا مه) . انگار که از میان صفوف خود این حضرات افرادی ارقعاش همین بختیا رها ، که با " طاغوت " همکاری میکرده و میکنند ، افرادی مانند کاشانی در گذشته و آیت و

مصمود ، نسبت به سالیس آمریکا حنا ینگارود سب - اسداریهای ابرفدرتها و سوکرانسان برخاسی صورت نمیگرد . هر کس به قطعنا مه گذاشی سکرده فوراً متوجه میسود که مسطور سران حزب جمهوری و همالکی ها بسان از " گروههای ضد انقلاب " ، ساهیها و ساواکیها و ابادی آمریکا و احسنی روس و انگلس و غیره سمسند ، بلکه گروههای انقلابی اسد . تا عدا " ارتجایی سربت - کاران اسلام بناه ساهیها و ساواکیها و راهران خارجی و داخلی گروههای انقلاب را سکیل سده سده . حضرات " حواسا را انحلال گروههای مسلح عبر اسلامی " سده اند ، ولی مسطور سان از اس گرو - ههای مسلح سربکنرس گروه مسلح ساهیها و ساواکیها و سخیارچی ها و سمراری ها ، که خلوی حسمان اس و سنا بحال حد سوطه کودتا در آن کف سده اس ، یعنی ارنس بارما سده ، ساهیها سنی ، سب . مسطور سان ار گروه های مسلح عبر اسلامی ، گروه های مسلح فتودالی و خان - های سربج عسایر ، سفاشی ها و سخیاریها ، پالیزان - ها و سکه های آدمکهای کرما ساه که خیرا " ینسان بروی آب افتا دویا راهزان - نی که در بلوچستان بلوایی - آفرینند ، نمیاسد . این گروهها قطعاً از دیدگا آقا - بان سران حزب جمهوری و

مادق روحانی و غیره در حال حاضر بیرون نیا مده اند . هدف آنها زدن بختیا روستیا رچی های حائس نیست ، بلکه بیشر در قابت ارتجایی خود با افرادی مانند سنی صدر و گروههای لیبرالی سربک در قدرت است ، تا همه قدرت را به تصرف خود در آورده و به قول شادروان طالفاسی "استبداد زیر پرده دین" خود را ، که راهی بحر همدستی با امیریا لیسمدارد ، بیاده کند .

دوباره ما نندگذشته فیل اسان یاد هندوستان میگرد و خطبه بنا م روسیا هان تاریخ خوانده میسود . شیخ فضل الله نوری ستون ارتجاع محمد علینا ه و همدست تزارهای روس علم میسود و برای برائت وی به تحریف تاریخ پرداخته و ردیبلانه ترین دشنا مهان نار مجاهدان کبیرا انقلاب مشروطه ایران میگردانند . خیانت آیت الله کاشانی به نهضت ضدا مپریا لیستی سالیهای ۳۲ - ۲۹ خدمت جازده میسود و از چهره این همدست رضا خان مپرینج و بعدها زاهدی نا - میکنند .

● آسپادم ار مکتب و مکتبی بودن میسود و مینرسند مبادا انقلاب ار حها رجوب مکتب خارج شود . ارفرار معلوم ارسس خارج شدن ار مکتب سود که در زمان شاه مطوع سبز در کنا ردرسا ربهلوی سرعلیه سسش کمونیسی و انقلابی اسان سوطه میگرد سد و جافوکسان حرب رحمتگسان سفاشی و آلت دسان مدائیان اسلام را سحان آزاد یحوا هان می اسد احسن .

راهبیمائی ورشکسته روز جمعه ادا مه منطقی آن تشبثات مذبحانها یست که باندهای ارتجایی و توطئه گرا ز چند ما ه پیش به اینطرف برای کُند کردن تیغه تیز جنبش ضدا مپریا لیستی وضد زیست وهندرسن آمریکا سنی یک قهرمان ملی میسازند . آنگاه باندارتجایی و توطئه گرا آیت - بقائی به طرح ریزی توطئه های که یکبار توفیق آنها را در زمان مصدق بقیه در صفحه ۱۰

راه بیمائی فدوحدت

بقیه از صفحه ۹

و در جریان کودتای ۲۸ مرد...
 ۳۱ دای برای بازگرداندن شاه به تخت سلطنت آرموده اند، مشغول میشوند؛ در حالیکه دارودسته مکار بهشتی - با هنر و شرکاء، این روحا - نیون با اصطلاح مبارزی که تادیور زرشوه از ساواک می - گرفتند دست در دست آنها گذارده اند. چه خبالتی این افراد را فرا گرفته است! آنها دم از مکتب و مکتبی بودن میزنند و میترسند مبادا انقلاب از چارچوب مکتب خارج شود. از قرار معلوم از ترس خارج شدن از مکتب بود که در زمان شاه مخلوع نیز در کنار دربار پهلوی بر علیه جنبش کم - نیستی و انقلابی ایران تو - طئه میکردند. چاقوکشان حزب زحمتکشان بقا ثنی و آلت دستان فدائیان اسلام را بجان آزا دیخواهان می - انداختند.

این چه مکتبی است که آمریکای جنایتکار روروسیها غداران را کرده، نوکران و ایادی آنها را بحال خودول گردانیده، دست فئودالها و خانها را در چا بیدن دهقانان آزا دگزارده، به سرما یه - داران ضد انقلابی و طرف - داران بختیا رخائن وسا و - کیهها عفو و بخش عطا کرده و بجای آنها به دشنام داد و بیگرد جوانانی برداخته است که در سالهای سیاه حکومت محمدرضا شاهی در زندانها خون قی میکردند

و برای آزادی کشته میدادند. اینها بودند دزدان سرگرد - دنه؟! یا دزدان سرگردنه کسانی بودند و هستند که از پشت میزهای سانسور محمد رضا شاهی و با مباشرت امثال بقا ثنی ها و میرا شرافی های خائن دزدانه برگرده انقلاب ملت ما سوار شده به بلوا سازی و توطئه چینی علیه وحدت مردم مشغولند. دزدان سر - گردنه کسانی اند که اموال ما در هتده عمال رژیم سابق را در بنیاد مستضعفین بدست ایادی شاه و دربار میسپارند، برای نجات میرا شرافی فرا - ما سونرو خائن توصیه صادر میکنند، قره باغی جلاد و اخیرا "باقری کودتاچی را پناه میدهند و همچون جنسی مرتجع خوزستان را به آتش میکشند.

مگر بنام حجاب تفرقه در میان زنان شاغل و کارمند و زنان خانه دار انداختن توطئه گری و زمینه سازی برای دشمنان انقلاب نیست؟ این کارها مگر چه فرقی دارد با کارهای رضا خان؟! او چادر و چارقد بزرگوار سر زنان بر میگرفت و شما چادر و چارقد بزرگوار سر زنان میگذارید. او بزرگراه بر سر میگذارید و شما کلاه از سر مردم برمی - دارید. مگر تافتی میان کلاه گذاری و کلاه برداری است؟! شما چه کاری به لباس زنان دارید؟ این نیست که عده ای میکوشند با

● آنها چشم بدارند که گروه های انقلابی ایران را مسلح ببینند، همانطور که سردار اسعدها و اسرار الملک ها هم در زمان انقلاب مشروطه چشم دیدن محاهدان مسلح. آن دوره را نداشتند! همانطور که نسی امیه "اسلامی" چشم دیدن گروه های مسلح ساک و مازیار "غیر اسلامی" را نداشتند!

طرح و جنجال سازی سراین مسائل اذهان خلق را از مسائل اساسی کشور منحرف ساخته و بتدریج کارها را به دست دشمنان ملت بهار بابان آمریکائی و روسی یشان به سپارند؟! این عده در ظاهرا با غرب زدگی و یا شرق زدگی مبارزه میکنند، و حال آنکه در باطن از همه غرب زده تر و شرق زده ترند! چنانکه دیده شد بلوای "حجاب" تنها بسود عوامل شاه و بختیا رخا - ئن وسا و کیهها تمام شدت تظاهرات ارتجاعی مسخرهای از زنان شمال شهر در برابر نخست وزیر برای اندازد و به تبلیغات عوام فریبانه خود گسترش دهند.

آیا در زمانی که انقلاب ایران از چهار سو در خطر هجوم انهدا می دشمنان خا - رجی، فئودالها و سرما یه - داران ضد انقلابی و دارودسته های ارتسی و غیر قرار گرفته و توطئه های کودتا و اغتشاشات داخلی یک بیک به آزمایش گذارده میشود، این نیست که باندهائی از قمار بهشتی و شرکاء، آیت و سر - کاه، دستجات فریبکاری که قرآن بر سر نیزه کرده اند، مقاصد مشترکی را با عاملان کودتا و اغتشاش دنبال می - کنند؟!

مردم ایران با دیدهبان باشند و آجا زه به تفرقه سدر صفوف خود و انحراف در حرکت انقلابی خود ندهند. ما حتم داریم که این دستجات توطئه گر، که مذهب را دستاویز مقاصد شومشان کرده اند، ما نندا سلافشان بسرعت منفرد و مطرود خلق خواهند شد.

آیا میدانید که...

* سرگردی که گرداننش را در دره قاسم لوتسلیم کرده است (به احتمال قوی تسلیم باندهای سیاه و ارتجاعی کرده است) برای محاکمه به تهران آورده سدولی بلا - فاصله آزا سد. همین شخص از زیربانش در رفته است که ارتش "آزا دیبخش" لیسسی را از اسیران شاه پرسسپیه کرده است با اطرپی گوسا - گون برای مشکل کردن آنها با آنها تماس بگیرد.

* در کانون نارسیسگان ارتش فعل و ایضا لاسی در دست اسحام است و عملا در درویش دو حسن سده است. عده ای از اسیران حواسی که با کساری و برسسه شده اند گاموسی به نام کاسون نارسیسگان معرفی سنگیل داده اند. ارما هب اس دسه سندی و حریبان داخل آن اطلاعی نداریم.

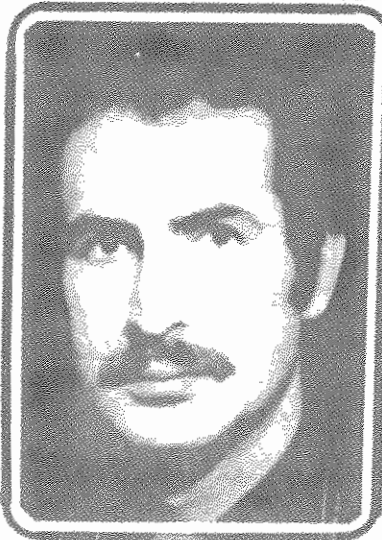
* سرگردی که به عنوان اسیر سخن اندولوریک ارتس برای با کساری و رسیدگی به اوضاع درویش ارتس راه هدا رفته است خود سرگرد گاردجا ویدان سوده است.

* سرگردی که مسئول "جمع آوری شهدای ارتش" میا - شد فیلا مسئول کف و دمن خانواده ها و اقوام مرای ارتس بوده است و به انداره یک کارتن پرونده اسواط دارد.

کاک صلاح

به کاروان شهیدای راه آزادی بشریت

ستمدیده پیوست



آتش زبا دفته شررا نکیز ترشود
چون می پرا کند خطرا نکیز ترشود
ما شیشه ایموباک ندا ریم از شکست
شیشه جوبیشتر شکند تیز ترشود

تاریخ شهادت

۱۳۵۹/۴/۱۲

در سرگامه پخته ۱۳۵۹/۴/۱۲

ملاح الدین ضمن برهان ، یکی از کادرهای قدیمی اتحادیه کمونیستهای ایران ، سبانه گدارشکیلات بینمرکه های رحمتگان کردستان ومشول دمسرهما سادایین شکسلاب ، یکی ازبانه گداران جمعیت های دموکراسنگ در کردستان ونگی ار ساررین حسگی سایدرا آرماسهای خلق کردویک سربارونما دارا راروشن کمونسسهای ایران دست یکی ار سروررس سسنا سگساران شهرهما ساد به شهادت رسدونه کاروان شهیدای راه آزادی بشریت سمدیده پیوست .

رسق ملاح ویاراشن راندسال یک سمانش ازبیش طرح ریری شده ، در سرگامه پخته سمرل مسکوسی اس بیرون کشیدندونیا تلپک رنگارمسلل کلاشیکف که به کلوش اصاس سمد به شهادت رساندند .

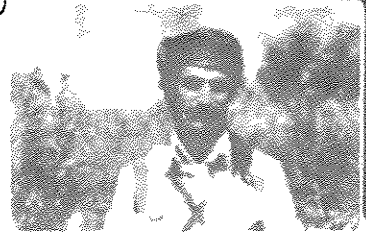
رمیق ملاح ارمدسها پیشا سطار اسرامنداشت که سقل اش سراسند ، وایسرا همیشه بیاران حوش کوشرد میسود ، و سارری جان برکعب و آماده شهادت سمد ، و بیک میداسب و خود سیر همیشه یادآور میشدکه " آزادی خوشبهای شهادت " ، و با اینا رحون گرم وجوشان حوش نشان دادکه او و خلق دلاورش برای پاسداری ار سبال آزادی جان سرف ، آماده اند .

ساشاهدات اودمسرزدگی اساس سی شریف وآزاده که سمانی رسدگی و حواسی حوش را وقف بیکار بر ساری آزادی میهن اش سمدوده بدوسته شند ، همکار ری رفقای بیکار ، رزمندگان و ..

خامه رمعای کومه له که ازهیچگونه کمکی دریغ سوریدند شکر میسکیم .

دشمنان خلق ایران یکسار در سال ۱۳۴۹ - در آن زمان که رمیقی ملاح یکی ار معالین جیش دانشجویی در حارچ ارکشور بود ، ساعلام نام و در رادیو وتلوویزیون محدرما شاهی و محکوم سمدوش به اعدام تصورگردند که قادرسد ورا ار خلق اش خدا وازادامه راه مقدس اش بیاردارسدولی سخت در اشتبا سمدند ، کاک ملاح به آرماسهای حوش وادامه ، سار ره نیایدار ساند ، امرور سیز دشمنان سوگند خورده ، خلق کرد و مردوران سیکانگان ، هماساسی که تلاشها یشان برای نظمیع وکشادن ملاح به احزاب بیکانه پرستان که داعیه ، دماج از خلق را سیردا رسد بی سمرماند ، هماسا سیکه ارا وبعنوان " شته " حسش کردستان " یاد سمدوده و میسما یند ، و امرور سیز اروسن شدن حقایق سخت هراسان سمدنا ییدند - سنده هر چند کاک ملاح دیگر زنده نیست ولی راه او وآرماسهایش توسط یاران او و دیگر مبارزن سادق پی - گیری خواه شد و دسیسه های ایسان همچون توطئه های ساواک راه جاشی

نتواندگشود و در سراسر ایران رسوا - یشان حوا هم ساجب . کاک ملاح علاوه سربیا ره علیه امیریا لیسیم آمریکا ومشودال هسا و سرمایه داران دست ساشاده آسان ، علاوه سربیا ره ، سرحسنا در راه سماع خلق کرد و تکف آوردن خود محتساری واقعی ، علاوه سرتلاش بر پیوسته دادن حسش ملی خلق کرده مبار ره سبرای آزادی دهقانان و امتزاج ایبدو سبا جیش پرولسری ایران ، اولیس شحمیت ملی و انقلابی در نا ریخ طسق کرد سمد که سدور از هر کومه محاضره کساری آشکارا پرچم سارزه علیه سوسیسال - امیریا لیستهای روسی وکما شتگان نشان - از رهبران حاشن حزب توده گرفته تا رهبران دموکرات - را در سرزمین گرد پیرو کردستان ساهتزاز درآورد ، یادش حاودانه یاد ! در زیر بیام اتحادیه کمونیست - های ایران ار اشته شده به مینیسگی مها سار مطالعه حوا سمد کرد . سقنه ، بیامها ار حمله بیام شیخ عرال دین حسیی ، شکسلات پیشمرگه های رحمتگان ، کومه له ، بیکار ، رزمند - گان ، چریکهای فدائی خلق ایران (دفتر مها باد) و بیام حرب کمونیست ترکیه (بقیه در صفحه بعد)



(مارکسیست - لیبیست) رادشماره
آینده درج خواهم نمود.

پیام اتحادیه کمونیستهای ایران به میتینگ مهاباد ۱۶/۴/۵۹، بمناسبت بزرگداشت سومین روز شهادت رفیق صلاح الدین شمس برهان

ما ملت، این سرمایه داری و وسایل لیبم دره عمیقی است که خاکستر
کمونیستها با آن را برکند

✓ سیخ و حکم کوره راهها و سنگلاخهای بین اسارت ورهائی ستمگنان را بیکر
حویس سجدای حلق و متعل ضروران نهادت بویندگان این راه روشن و قابل
عبور خواهد کرد. و رفیق بزرگ ما، صلاح، با ستارگان خود این راه را کوتاه‌تر،
این ستم را ضروری‌تر و بجرم سرح سردر هائی حلقها ما را برافراشته‌تر
ساخت. ما می‌دانیم که او در این راه و کرامت می‌نهد.

ما در اینجا گرد آمده‌ایم تا شهادت رفیق را عزیزداریم که غم از دست
دادن بر دلها جان سنگین استگینی هر کوه و هر بارگراگان است. ما در
اسحا گرد آمده‌ایم تا همه دشمنان حلقها اعلام کنیم که این پرچم برخاک
انسانی نیست، این شعل خاموش سبب و طبعین فریاد این بیکار و تا
نا سوئی سها شیمان تک لحظه آن را راجح نخواهد گذاشت. ما در اینجا گرد
آمده‌ایم تا بدویم رفیق صلاح دین خود را به طبع رحمتکش و ستمزده، خود یاد کرد
جان خود را بر سر پیمان با مردم گذاشت و ما از امروز و فردا و فردا تا نوبت ما
ما هاست و همه همچون او در این راه ایستاده‌ایم.

رفیق صلاح یکی از قدیمی ترین کادرهای اتحادیه کمونیستهای ایران
بود. اتحادیه‌دانشن حسین رفقای فهرمائی اعتقاد میکنند. رفیق، از ۱۵
سال پیش وارد جنبش مردم ایران شد، و طی این ۱۵ سال مبارزه در صحنه‌های
مختلف، کوله‌باری از تجربه و آگاهی انقلابی اندوخت که همیشه با بهره‌گیری
از این کوله‌بار را مدادگر رفقای جوانترش بود. رفیق صلاح مدتی کوتاه پس
از پیوستن به جنبش انقلابی مردم ایران به یکی از فعالترین اعضای جنبش
دانشجویی ایران در خارج تبدیل شد و آنچه در جوانی داشت در شکل و بسج توده
دانشجویی کوسید. برای رفیق فعالیت در جنبش دانشجویی هیچگاه فائقه
کننده نبود، و این بود که در همان آغاز در تلاش یافتن و پیوستن راهی بود که
او را راهی کند. و بالاخره او این ره را در دستگیر و حفظ می‌سازد.
ما را اتحادیه کمونیستهای ایران، یافت. شهید صلاح یکی از ما شده
سرس کادرهای سنگین ما بود که طی سالهای فعالیتش در این سازمان
وظایف بزرگ و سنگینی به عهده گرفت و همه را برآ چنان که از یک انقلابی
کمونیست اسطوره‌ای می‌رود. صلاح، رفیق، در دوران حلقان و ترور محمد
رضا ساهی، در رابطه با فعالیتهای محلی سازمان در مرزهای ایران و ترکیه،
مسئولیتهای متعددی به عهده داشت و همه را با آگاهی و هشیاری تمام به پیش
برد. در آن روزها سازمان ما سبب محرماتناهی - که با کمال تأسف ما امروز
تا حدی با رستی سوسپله، مرحومین، توطئه‌گران و اسرارشان بگذردت رسیده
هستیم - در هم دسی با صبر و کینه و محبت نظر مستقیم کارشنان را جاسوسی
آمریکا و اسرائیل، در هر کوه منطقه‌ها را برای انقلابیون گم‌نورده بودند،
اما رفیق صلاح با هساری انقلابی خود، جان برکف را هساری نزلزل
ادامه میداد و در پی کسب اهداف انقلابی شکلاتش، ای همه حظر راه هیچ
میگرفت. رفیق صلاح، در این سالها در هر کوه همجس مسئول رابطه اتحادیه
با جنبش انقلابی مردم ترکیه و سازمانهای کمونیستی این کشور بود، و به
ادعان خود این ره را، رفقای کمونیست ما در آسوی مرز همیشه صلاح را رفیقی
صمیمی و دلشوروار جمله یاران خود در میان حویس احساس میکردند.

✓ امروز چگونه باید شهادت این رفیق را به آن عزیزان برسانیم و چگونه این غم
سنگین را بر دلهاشان گذاریم؟ ای کوههایی که ما را با رفیقمان نشان در
آسوی بیوند میدید، ای بادهایی که این هر دو خاک را می‌نوردد و سرنقش
عزیزان ما در هر دو سوی میگذرید، شما این پیام خون و پیمان را برسانید که
ما را برای آن نیست.

انقلاب خلقها ما را اوج گرفت، رژیم فرتوت شاهی در برابر موج عظیم
خیزش خلق به لرزه درآمد، و سنگرها هر روز گرم و گرم‌تر شد. رفیق صلاح خود را به
ایران رساند. این آرزوی دیرین او بود که امروز داشت تحقق می‌پذیرفت و او
نیز ما را لایه در تسریعش شرکت جست. رفیق از همان روزهای آغاز کار به تشکیل
کردن مردم برداشت، او کسی بود که کاوشخانه کردستان را اتحادیه را آغاز کرد. و
دست در دست دیگر رفقای ما، تا بدینجا پیش رساند. شهید صلاح در اینجا دجمیتها

در ما با دو چند شهید دیگری نشانی فعال داشت و تا زمانی نیز که این جمعیت ها بر
پا بودند نقش سازنده و راهگشا پندار خود را در آنها ایفا کرد. و بالاخره
رفیق صلاح به یاری دیگر رفقای ما و بخشی از پیشمرگان را بیکار کرد، تشکیلات
پیشمرگه‌های زحمتگنان را بنیان نهاد تا آخر دوران سنگر کنید - تشکلیات
پیشمرگه‌های زحمتگنان - تبلور خواسته‌های او در صحنه کردستان بود و او را
برای ما و برای مردم دلیر کرد همیشه زنده نگاه خواهد داشت. به پاس ارج نهادن
بر یاد این رفیق بزرگ، این سنگر را در پیگا رعلیه امپریا لیسما و رتجاع هر چه
گرم‌تر نگاه داریم.

عشق رفیق صلاح به زحمتگنان و وحوش با زندگی سخت و رقتبار آنان تا
آن حد بود که هر کس را تحت تا شیر قرار میداد، رفیق بیشتر وقت خود را در روستا
ها و در بین دهقانان میگردد و نگاه هفته‌ها میشد که او را در شهر نمی‌دید. به
روستا میرفت، با دهقانان مینشست و میکوشید تا در غم و تا دینان شریک باشد.
آن زمان که فئودالها به تصد گرفتن زمینها از دهقانان روستاهای کردستان
سرا بریرند و با اتکاء به سلاحها و پشتیبانی مرتجعین و تشبک رانی - چون
ظهیر نژادها، فلاحی‌ها و چمرانها - به ما مردم فقیر کرد افتادند، رفیق صلاح از
جمله کسانی بود که به یاری دهقانان شتافت، او در اکثر جنگهای ضد فئودالی
شرکت کرد و با شجاعت تمام در سنگر زحمتگنان ایستاد و پای فشرد. رفیق صلاح در
اتکاء به توده دهقانان و پای فشردن در مراحل انقلابی مسئله زمین‌آدم -
دهنده را ستین راه سلیمان معینی‌ها، مللا و راه‌ها و شریف زاده‌ها بود، او
اعتقاد این خط بر خ مقدس شد. با رفیق صلاح را دهقانان فقیر کرد در فاشوش
سخواهند کرد. ظنین چه سلسل رفیق صلاح در کوههای سربلک کشید -
کردستان همیشه بگوش خواهد رسید، آنجا که این چنین توطئه‌گران خون پاکش را
ریختند و بداند که صلاح در کنار تک دهقانان کرد زنده است، صلاح در اشک و
لبخند کودکان معصوم گرد زنده است و این خون اوست که با سادار منافع خلق
خواهد ماند.

غم از دست دادن رفیق صلاح، رفیق که سمبل سود در بر کار، سمبل بود در
عدالت و سادگی، سمبل بود در وحدت طلبی و سبب بود در پایداری فشاری بر خط
صحيح، آری غم از دست دادن رفیق این چنین، بر دل ما چون کوهی عظیم و
عظیم ترا زگوه سنگینی میکند. چرا که صلاح همیشه بود و در تمام طول مبارزاتش بر
اصولیت انقلابی خویش پای فشرد. او مبارزه برای ما بود، امپریا لیسما
جنا بیکار روجها و نخوار آمریکا و مزدوران داریش را در سر لوحه کار انقلاب
ایران میدانست، حل انقلابی مسئله ارضی را جزئی جدایی ناپذیر از انقلاب
ایران و ما به اصلی و محتوای انقلابی خود مختاری برای خلق کرد میدانست،
او بدحیاتی بودن موضعگیری درست و پای فشردن انقلابی بر آن درس را بر
توطئه‌گریها و تجا و زکار ریهای امپریا لیسما آمریکا و وسایل امپریا لیسما روس
و عمال مزدوران و جاسوسان ایرانی از صمیم قلب ایمان داشت. او مبارزه
خلق و جنبش توده را نه دستاویزی برای طمع ورزیها و وسیله با زیبای بانه‌های
خاش و مزدوری چون قیاده موقت، سپاه رزگاری، حزب توده و... در راه خدمت
به اربابان آمریکائی و روسیستان، بلکه زمینه‌شی جهت به شمر رساندن
آرمانهای مقدس خلقها در جهت کسب استقلال و آزادی کامل از تبه‌هنگونه
وابستگی میخواست.

صلاح مبارزه خلق کرد و سرنوشت این بیکار را از سرنوشت مبارزه همه
خلقهای ایران جدا نمیدانست. او در عین حال که در برابر برتیا جم‌فاشیستی و
جنگ تحمیلی ارتش شاهی و سپاه ساداران در چشمه مقاومت خلق کرد ایستاده
بود، هرگز خطرها را جم امپریا لیستها، خطر پروزیک کودتا و خطر بازگشت سلسله
سقیه در صفحه بعد



دوباره امپریالیستها را فراموش نمیکرد، او هرگز این مبارزه را یکجا نماند. هم آنها را که همه بیانه خطر کودتا در آستان بورژوازی خاثن زانو زدند، محکوم کرده و آنها را که با مطلق کردن آنچه از جانب جناح های فاشیست و مرتجع هیات حاکمه در گردستان میگذرد، امپریالیسم آمریکا و خطر کودتا پیش را نکلی نماندیده میگیرند، او همه خطرات را سیدید، و این بود که از همان ابتدای کار ریشدرتلاش بوجود آوردن یک جنبه انقلابی، مستقل از همه نیروهای وابسته و بدورا زهرگوشه گرایش سوابق درشیا و بیگانگان بود، اوچ این تلاش شهید در روزهای پیش از تاش ساول در گردستان بود که سنگهای سیار در راهش انداختند. حرکت استوار رومدا و رفیق بر روی خط درست و نهرا سیدنش از مشکلات این راه و سازش نا پذیریش با تمام کسانی که جنبش خلق را وثیقه آزمندیهای خود و وسیله خوش خدمتی سوار با بان خود میدانستند، صف دوستان و دشمنان او و خلقش را هر چه روشن تر و روشنتر کرده است.

امروز دیگر صلاح در میان ما نیست، صلاح طعمه یک توطئه ردیلانه شد. و حال با بیدیدجه کسانی از این امر غمگینند و چه کسانی خرسند؟ زحمتکشان سراسر ایران و خلق قهرمان کرد، از دست دادن این مدافع پیگیر حقوق خود را سوگ میدارند. کمونیستهای ایران، سازمانهای انقلابی گردستان، تمامی پیشمرگه های نرافتمند و انقلابی کرد، و سوزیه اتحادیه کمونیستهای ایران، تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان و خا نواده شهید در غم سوگ از دست دادن این عزیزند. همه آنها را که مسازات اصولی صلاح در خدمت تحقق آرمانهایشان بودا مروغمگینند و ما به این انبوهی را ن صلاح فقدانش را تسلیمت و شهادتش را شادباش میگوئیم.

اما چه کسانی شادمانند؟ همه آنها را که صلاح و مبارزاتش را برای خود، برای اهداف پلید و سودجویانه خود و برای منافع شوم ربا بان خسود خطرناک میدیدند، از این امر خرسندند. باندهای ارتجاعی و مزدوری کسه امروز غرب وطن ما را به جولانگه خود تبدیل کرده اند، باندجنا یتکا رومز دور علی قاضی که از یک سو دستش در دست پاییز با آنها و ویسی ها و از سوی دیگر در دست خاثنین حزب توده و... است از این امر خرسندند.

همه عوامل امپریالیسم جنایتکار آمریکا و سوسیال امپریالیسم توطئه گر روس از این امر خرسندند. جنگهای جاسوسی ابرقدرتها، عاملین ناپاک آمریکا و روس، سازشکاران و معامله گران بر سر منافع خلق ها، از این امر خرسندند. فدا انقلابیون و مرتجعین به قدرت رسیده، سران فاشیست و شاه پرست ارتش و جریانات مرتجع و فاشیست درون سپاه پاسداران، و خاشهای منفور و خود فروش از این امر خرسندند. جانیان و فاشیستهای بعضی که روشنگریهای رفیق صلاح را برای خود خطری میدیدند، از این امر خوشحالند. از این امر خرسندند همه آنها را که در وجود رفیق صلاح مبارزی پیگیر و کمونیستی آگاه را میدیدند که خطری جدی را علیه منافع فدا خلقی آنان تشکیل میداد، به این صف و اعدا فدا انقلاب هم که با تمام ما همگونیهای ظاهریشان و با تمام اختلافاتشان بر سر غارت خلقها، در امر سرکوب انقلابیون راستین متحدند، همدار می دهیم که شادباشن کدیرنخواهد با شید. راه صلاح، نه تنها راه صلاح و صلاحها، که راه همه خلقهای ایران است. و آنان که در مقابل خلقها قرار گیرند، سر نوشتشان جز نابودی سنگین و محتوم چیزی نخواهد بود.

امروز صحنه وطن ما، شاه در برور جریانات خطرناک و بی حساسی است. کودتاگران بسرعت در حال تدارک یک کودتای امپریالیستی در راه است. از گرداندن سلطه شوم آمریکا بر این کشور ستمزده اند. خاثنین و و طفر و شائسی چون شاپور بختیار، ویسی، پالیزیان، سردار جاف و... بهره های سپاه این بازی خطرناک امپریالیسم آمریکا بند. جناحهای ازدولت و ارتش محمد رضا شاه، پایه های این کودتا بند و تحریکاتی نظیر آنچه از سوی فاشیستهای بعضی در بخشی از خاک وطن ما صورت میگیرد، و امتداد آن توسط مزدوران مخفی و آشکار در سراسر کشور زمینه ساز این کودتا و جان همانداختن مردم، به راه انداختن جنگهای برادر کشی، ایجاد ناامنی و اغتشاش و بلوا و آشوب و نومید کردن مردم وسیله و راه تدارک این کودتا است.

درگنا را این جریان سوسیال امپریالیستها نیز بسرعت در پی متشکل کردن اردوگاه خویشند. آنچه امروز در این کشور در جریان است، حرکت های حزب توده، قطب سندی شدن برخی جریانات، به راه افتادن هزاران جاسوسی روسی، در آنسوی مرز زینشمار "حزب فقط حزب الله" که تا زده پس از دهها سال یادشان افتاده ایران وطن آنهاست و سایدیون با زگردند. اینها همه نشانه های متشکل این اردوگاه خطرناک و فدا ایرانی است.

دولت "جمهوری اسلامی" نیز تمام همش مصروف سرکوب نیروهای انقلابی، تنها به گردستان قهرمان و قتل عام مردم قهرمان و مبارز کرد، منحل ساختن سازمانهای انقلابی، خلق سلاح مردم و در یک کلام نابود کردن همه کاروانهای مقاومت علیه کودتا بوده، سدن ترتیب خود جا ده صاف کسن کودتا است. و از دولتی با این ترکیب و از چنین معنوی چه انتظاری جز ایس میتوان داشت؟

انقلاب در معرض ناسودی است، امپریالیستهای جناحیتکار، سرمایه داران وابسته، فئودالیهای شهبکار و تمامی باندها و جریانات مرتجع امید به نابودی این انقلاب ستمه اند، و آنچه در سراسر تمام این خطرات میتوانست مقاومت کند، وحدت تمامی خلقهای قهرمان ایران است. مردم دلاور گردیا سد در اتحاد با مردم سراسر ایران، پایه های این وحدت مقدس را ریخته سرزمین خود را به یکی از کاروانهای مقاومت و سازش علیه همه خطراتی که از جانب امپریالیسم آمریکا، سوسیال امپریالیسم روس و مزدوران ایران نشان انقلاب ما را تهدید میکنند، مبدل سازند. در سراسر ایران با بیدهی مستقل خلق در برابر سیگانگان و عواملشان بوجود آید. ساید ارتش و عواملشان به ندادن آن بهره گیرند، زدن به هر حرکتی که امپریالیستها و عواملشان به ندادن آن بهره گیرند، دوری جست و به پیروی از همین سیاست صحیح است. با ندادن آن بهره گیرند، تحمیلی گردستان هر چه زودتر متوقف گردد؛ با ندادن آن بهره گیرند، مردم، ویرانگریهای ارتش و سپاه پاسداران و محاصره اقتصاد و نظای این این منطقه هر چه سریعتر با ن داده شود. ادا به تجا وزارتش و ادا به تحمیل این جنگ به خلق کرد، تنها و تنها در خدمت امپریالیسم و جریانات کودتا شای است. این انقلاب محکوم است که یا راه خود را ادا مدها ده به پیروزی نهائی سرسد، و یا شکست خورده ما کام کرده. و این تنها و تنها وحدت انقلابیون و وحدت طبقه است که میتواند ز فاجعه شکست جلوگیری کرد. با بیدای امپریالیسم آمریکا بطور کامل از این کشور بیرون انداخته شود. با بیدهمه عوامل امپریالیستها نابود گردند. با بیدرا هفتاد قدرت بیگانه به این کشور مسدود گردد. با بید کشور ما کاملاً استقلال یافته، خواستهای دموکراتیک خلقها مان سرآورده گردد و راهی جز بیکارنا آخرین نفس در راه تحقق این اهداف مقدس پیش پای ما نیست. دشمن سلاح خود را تیز میکنند و هر کس نا ظریی نفاوت این امر با شاد قربانی سی آزار آن خواهد شد. ترور رفیق صلاح هشدار است به همه کمونیستها، به همه نیروهای انقلابی و به همه مردم ایران.

رفیق صلاح نمادنا تحقق آرمانهایش را بسند. رفیق صلاح نمادنا در جشن استقلال کامل ایران شرکت کند. رفیق صلاح نمادنا آزادی کامل اسرانب و ایرانی را ببیند. رفیق صلاح نمادنا راههای دهقان ایرانی را رستم اربابان فتوادل ببیند. رفیق صلاح نمادنا آزادی خلق کرد و خود ساختاری و اتعی گردستان را ببیند. رفیق صلاح نمادنا تحمیل آرمان مقدس و وحدت کمونیستهای ایران و ایجاد حزب طبقه کارگر ایران را شاهد با بند و ما دنا امتزاج انقلابی جنبش ملی و جنبش طبقه کارگر ما را ببیند. عمر و معلمان سلاح دوام نیارودنا شاد رها شای نهایی وطن و ما حتما سوسیالیسم در انسی آسیده حیات و ررم طبقه کارگر و زحمتکشان میهمان باشد. ولی یادآورده و جا وند است. با الهام ارحبات سراسر مبارزه اش موقع را مفنم شمرده دعوت میکنیم از همه کمونیستهای ایران، از همه نیروهای انقلابی ایران و از تمامی مردم میهمان و خلق دلاور کرد، که در راه هر چه سریعتر متحد کردن صفوف خود کوشیده، و تادوم انقلابمان را در پرنویبیکاری امان و هشاری انقلابی خود تضمین نمایند.

یکبار دیدگرای خون شهید بررگمان رفیق صلاح عهد و پیمان میبندیم و به دشمنان خلق هشدار میدهمیم که اگر تاوان پای فشردن بر اصول، اگر تاوان و فادارماندن به خلق، اگر تاوان سازش با پذیری بادشمنان مردم و اگر تاوان زمین بگذاشتن سلاح در خون خود در غلطیدن است، تک تک اعصاب و هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران، تمامی اعضای تشکیلات پیشمرگه های زحمتکشان و همه یاران و رفیقان شهید صلاح هرآن آماده پردا حجاب ایمن تاوانند.

گزارشی از مجمع عمومی "شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز" در

رابطه با افشاگری از شخصی بنام

"دکتر حیدری"

۸ میلیون ریال پول نزولی به دکتر فامیلی میدهد که مبلغ ۲ میلیون ریال از این بابت نزول دریافت میکند. مسلمان و رباخواری؟؟!

دیگری مدرکی در مورد تجلیل از روز ششم بهمن بود که با خط دکتر حیدری نوشته شده است. در مدارک دیگر که موجود است مشخص شده است که این شخص کلاه بردار هم بوده و بارها چک بی محل کشیده. که یک نمونه آن چکی به شماره ۲۷۷۹۷۱ بانکی اصناف مورخه ۵۴/۲/۲۷ بمبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد. دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه ای) یک بار در سال ۵۲ به مدت یک سال و در سال ۵۵ برای همیشه بعطالت سوء استفاده مالی و کشیدن چک بی محل از وکالت منع میشود.

شورای تما سهای زیادی با مقامات مسئول در تهران داشت که کلیه مدارک موجود در مورد دکتر حیدری را نیز ارائه داد ولی تا کنون اقدامی در مورد این شخص صورت نگرفته و ایشان هنوز در رابطه با دادستانی کل انقلاب آقای قدوسی مشغول کار است.

در ضمن کلیه مدارکی که در مورد دکتر حیدری از طرف شورای ... جمع آوری شده بود از هر کدام نسخه ای به تما خبر-نگاران حاضر در مجمع عمومی تحویل داده شد.

در پایان مجمع عمومی قطع نامه ۵ ماده ای قرائت شد که مورد تأیید نمایندگان شورای داخلی و کارگزاران قرار گرفت. در این قطع نامه نمایندگان از طرف خود و کارکنان صنعت نفت خواهان مجازات افراد خائن و فرصت طلبی چون دکتر حیدری شدند. همچنین خواهان جلوگیری از خروج وی از مملکت شده و از مقامات مسئول خواستند که پرونده های این شخص در رابطه با سوء استفاده مالی و ناصالح بودن وی را افشاء کنند. در پایان قطع نامه یادآوری شد که پاکسازی افراد خائن و وابسته به رژیم منحط پهلوی بطور انقلابی ادامه خواهد داشت.

در پایان مجمع عمومی نمایندگان شورای داخلی و کارگزاران خواستار افشاء معین فرسند که از طرف شورای مرکزی گفته شد در آئینده مدارکی که در رابطه با معین فر موجود است نیز افشاء خواهد شد.

در ضمن عده ای از نمایندگان عمل دادستانی کل انقلاب در رابطه با عدم تعقیب و مجازات دکتر حیدری و این سه وی هنوز مشغول کار است محکوم کردند.

از سوی شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز در تاریخ دوشنبه ۱۹/۳/۵۹ مجمع عمومی در ارتباط با افشاگری معاون دادستان کل انقلاب، در محل آتش نشانی شرکت نفت برگزار شد. در این مجمع عمومی نمایندگان شورا - های داخلی و کارگزاران شرکت داشتند. در ضمن خبرنگاران روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، صبح آزادگان، اطلاعات، با مداد، مجاهد و دیوتلوویزیون و خبرنگاران ری پارس شرکت داشتند.

افشاگری در مورد شخصی بنام دکتر حیدری بود که در جریان افشاگری مشخص شد نام واقعی این شخص مهدی راهنما هزاوه ای می باشد.

شورای ... که بعد از قیام جریان پاکسازی عنا صروابسته به رژیم منحط پهلوی را دنبال میکرد با مشکلات و کارشکنی های زیادی روبرو بود. تا اینکه با دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه ای) آشنا شد. این شخص که خود را نماینده تام الاختیار دادستانی کل انقلاب میدانست، در اولین جلسهای که با اعضای شورای ... در تهران داشت طوری خود را نشان داد که توانست اعتماد نمایندگان شورا را جلب کند. بدین صورت که حدود ۱۰۰۰ پرونده از افراد مشمول پاکسازی که از طرف شورا ارائه شده بود با اینکه بعضی از پرونده ها وقت زیادی برای مطالعه احتیاج داشت، دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه ای) بلافاصله حکم اخراج، تعلیق، قطع حقوق و مزایا و حتی زندانی شدن بعضی را صادر کرد. که این حرکت را شورای ... استقبال کرد. البته این جریان فقط یکماه ادامه داشت که بعد از این مدت همین شخص حکم برائت افراد مشمول پاکسازی را صادر کرد و آنها به سر کار بازگشتند و در تاریخ ۱۷/۱/۵۹ تلفن گرامی به سرپرست مناطق نفت خیز فرستاد که در آن ۶۹ نفر از افرادی که قبلاً پاکسازی شده بودند و حتی زندانی بودند مورد عفو قرار داده و دستور بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای آنان نیز صادر شد. مانند: علی اشرف گرامی، کورس پارسائی و ... وقتی که شورای ... ما هیئت این شخص را شناخت شروع به تحقیق نمود که مدارکی از دکتر حیدری (مهدی راهنما هزاوه ای) بدست آورد که بطور خلاصه به شرح زیر است: نام واقعی این شخص مهدی راهنما هزاوه ای می باشد، در رابطه با شرکتی به نام ران وی که پیمانکار شرکت نفت بوده، شخصی به اسم دکتر فامیلی از اداره مهندسی و ساختن از شرکت نامبرده پولی دریافت میکند که این امر سبب برکناری دکتر فامیلی و انحلال شرکت ران وی شد. دکتر حیدری توانست حکم برائت این شخص را (محکومیت این شخص قبلاً به تصویب گروه پاکسازی نیز رسیده بود) صادر کنند دستور پرداخت مطالبات چند میلیون تومانی آن شرکت نیز صادر شود و دکتر فامیلی نیز با حفظ سوابق در شرکت نفت به سمت استادی در دانشگاه تهران مشغول کار شد. در همین رابطه مدرک دیگری موجود است که در آن دکتر حیدری مبلغ

به دفاع از شرکت حفاری بر خیزیم و توطئه های رنگارنگ بر علیه کارگران

مبارز را درهم شکنیم

هشدار به تمامی کارگران مبارز!
هشدار به تمامی انقلابیون و مردم
آزادخواه!

به حسن نزیه خائن ندارد .
سوما : شورای حل اختلاف را به چه دلیل میخواستند تحت
تعقیب قرار دهند؟ ای کارگر قهرمان وای مردم
مبارز بدانید که شورای فوق را به این دلیل
تحت تعقیب میخواستند قرار دهند که ایشان ۵۰۰۰
کارگر که در تمامی دوران سیاه دیکتاتوریت تحت
شدیدترین استثمار و غارتگری شرکت های امپریال-
یالیستی قرار داشتند استخفاف کرده و به کار-
گران مبارز بابت سابقه کار آن مختصر حقوقی
پرداخته که آنهم حق مسلمشان بوده . آری کار-
گران قهرمان وای مردم زحمتکش در زمانیکه
خطریک کودتای امپریالیستی کشور را از همه سو
تهدید می کند ، این جاده صاف کنهای امپریال-
لیسم یورش به دستاوردهای انقلاب را آغاز کرده
اند و مشخصا لبه تیز حملاتشان را متوجه شرکت
حفاری کرده اند .

باید کسانیکه تحت تعقیب قرار گیرند و طبق معمول به
بند کشیده شوند که سدره تا سیس شرکت ملی حفاری شده اند و
خواهان وابسته کردن کشور به بیگانگان هستند نه کارگران
قهرمان و شورای حل اختلاف که خواهان تداوم انقلاب و
خواهان مبارزه با امپریالیسم آمریکا هستند و اگر کسی با-
یستی تحت تعقیب و پیگرد قرار گیرد و به محاکمه کشیده شود
امثال باندهای ضد انقلابی حاکم و مشخصا خود استانداران و مدیر
کل اداره کار و معین فرها میباشند و باید توسط توده های
کارگر و مردم قهرمان ایران محاکمه و مجازات شوند .

به دفاع از شرکت ملی حفاری بر خیزیم و توطئه های
رنگارنگ بر علیه کارگران مبارز را درهم
شکنیم!

۵۹/۴/۴

عده ای از کارگران شرکت ملی حفاری - اهواز

کاک صلاح ۵۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۳

افتخار به شهید عزیزمان رفیق صلاح
درود بر همه شهدای قهرمان خلق کرد و
خلقهای سراسر ایران .
ننگ و نفرت بر تمامی عوامل اسارت
خلقها

با ایمان به پیروزی
اتحادیه کمونیستهای ایران

چندی است که مقامات حاکم یورش وسیعی را بر علیه
دستاوردهای انقلاب و مبارزات مردم و کارگران آغاز کرده-
اند . شورا های کارگری مبارزه کاذب انقلاب و مبارزه کار
گران بوجود آمدند ، مرتبا " به بهانه های ضد انقلابی تحت
حمله اند ، هنوز قوانین طاغوتی بر جان و زندگی کارگران
حکم فرماست ، هر جا که کارگران موفقیتی کسب کرده اند ، به
انواع واقعا محیله ها و تیرنگها در مدد لگدمال کردن آنها
هستند . مادرزیر با استناد به اطلاعیه عده ای از کارگران
" شرکت ملی حفاری ایران " به یکی از این توطئه های ضد
انقلابی اشاره میکنیم .

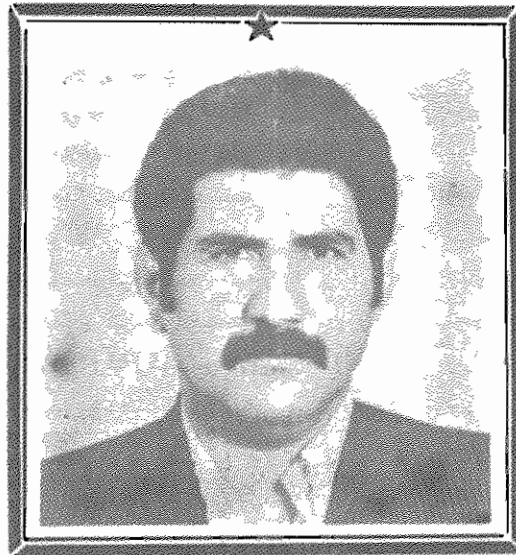
لازم به گفتن است که " شرکت ملی حفاری ایران " به
همت کارگران مبارز چندین شرکت حفاری وابسته به امپریال-
لیست ها پس از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا در
تهران و همگام با مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران بود-
جود آمد و دستاوردهای مهم کارگران میباشد . این شرکت
دارای ۵۰۰۰ کارگر میباشد که در طی مبارزات خود ، به
استخدام شرکت نفت درآمدند . حال استانداران خوزستان تو-
طئه ای در تدارک داران این دستاوردها را لگدمال کنند و
بهانه اش هم اینست که این کارگران در دوران نزیه خائنین
رسمی شده اند!! در زیره بخشی از اطلاعیه کارکنان شرکت
ملی حفاری ایران توجه کنید :

چندی پیش در جلسه بررسی نیازهای خوزستان (البته
با حضور مقامات استان) مقامات استان یکی از نیازهای
مبرم خوزستان را بدینجهت مطرح میکنند : " از جمله مسایل
مهم دیگری که در این جلسه به آن اشاره شد موضوع ۵۰۰۰ کارگر
بود که در چند ماه گذشته یعنی در زمانی که حسن نزیه مدیریت
عامل شرکت ملی نفت را بعهده داشت مبلغ یک میلیون و
دویست و پنجاه هزار تومان با تأیید شورای حل اختلاف به
آنان پرداخت شده و سپس همین عده در استخدام درآمده اند .
استاندار اعلام کرد اعضاء آن شورا را تحت تعقیب قرار خواهد
داد و از مدیرکل کارستان خواست در یک برنامه تلویزیونی
اسناد موجود را به مردم ارائه دهد تا یکی دیگر از جنایت های
دشمنان انقلاب اسلامی بر همگان روشن شود . " (نقل از
اطلاعات ۵۹/۳/۱۹)

اولا : حسن نزیه جاسوس راجه کسانیکه بر سر کار آوردند ،
کارگران قهرمان ایران یا این باندهای ضد
انقلابی حاکم ؟

دوما : شرکت ملی حفاری را خود کارگران با مبارزات
بیگیر برای قطع وابستگی ها با امپریالیسم
آمریکا تا سیس کردند و استخدام آنها هیچ ربطی

دوستاره از آسمان انقلاب ایران جاودانه شدند



را روشن کند. او بایستی غذای خا -
نواده را هم در میآورد از آنچه که بخوا -
نواده پدری با ید میرسد چه بسا میگرفت
وبه خویشان و اطرافیان فقیر میداد.
ولی خوب میدانست که این کمکها نمی -
تواند گره اصلی زحمتکشان و ستمدید -
گان را بگساید. او باید آگاهی می -
داد و روشنایی میبخشید. روحش متلاطم
بود. تمام فکرنش را بی این انسانهای
شریف بود. این توده های زحمتکش و
و این ستمدیدگان که ستون انقلابند
باید رها شوند. میدید که مستی انکسل
برگرده این ستمدیدگان سوارند. شلاق

را بر پست اینان بخوبی حس میکرد و میدید که اگر زحمتکشان
آگاه شوند، اگر کارگران و دهقانان متشکل و متحد شوند.
کا خهای این ستمگران را ویران میکنند، ظلم را از جهان می
رویند و بدنبالش رهایی انسان از هرگونه قید و بند و ظلم و ستم
خواهد بود. پس به سنا گردانش به آنچه که می اندینید میگفت.
سا واکیهای رژیم شاه نمیکذاشتند و در یک مدرسه مدت مدیدی
بماند و مادرش را عوض میکردند تا بخیال خودشان
نتواند تا تیرزیا دیگزارد! او ضمن تدریس و آگاهی دادن
تشنه فراگیری بود و تشنه خدمت بیشتر. دردهای ستمدیدگان
زیاد بود و او بسنده کردن به همین قدر را کافی نمیدانست.
بدانشگاه رفت. رشته پزشکی را انتخاب کرده بود تا دردهای
جسمی تعدادی از مردم را هم درمان کند. دانشجوی پزشکی
دانشگاه اهورا بود در آن دوره در دانشگاه زمینه فعالیت سیا -
سی بر علیه رژیم شاه برایش بازتر شد. با بقیه دانشجویان
مبارزه مگام شد. بارها بازداشت شد، بزندان ساواک رفت و
با مبارزات و حمایت دانشجویان دوباره آزاد میشد. هر بار
که از دست ساواک در میآمد در تصمیم خود محکمتر میگردد و دید که
باید ریشه هر ظلم و ستم برکنده شود. برای اینکار چشمانش نه
بدانشگاه بلکه زحمتکشان دوخته شده بود و ابتدا، در سال
۵۴، پزشک بیمارستان جندی شاپور شد بعد از مدتی استعفاء
داد و پزشکی آموزش و پرورش شد و یوسونگر در رفت.

آنانکه بسر قبر دکتور در روز سوم شهادتش رفته بودند.
خوب بیاد دارند که زنان فقیری که از سونگر آموخته بودند
چگونه مویه میکردند و از داغ از دست دادن یک یار و یک حامی
و خدمتگزار اشک میریختند. بلی دکتور در سونگر تا آنجا که
قادر بود دردهای زحمتکشان را تسلی میداد، در این راه نه
تنها یولی از آنان نمیگرفت

اگر دوستاره از آسمان انقلاب
ایران بحکم " دادگاه انقلاب اهواز "
" خاموش " شدند ولی آسمان انقلاب
ایران پرستارهاست.
آنانکه گردانی چون گل سرخیها،
روزبهها، تره گلها و... را بجوخه
اعدام سپردند تا بخیال خود این یاران
زحمتکشان رانا بود کنند بعدها دیدند
که زحمتکشان ایران زمین بی یار
نماندند. هزاران انقلابی جانباخته
فکرها را و راه آنها را دنبال کردند.
هزاران انقلابی در خدمت توده زحمت
درآمدند و جان برکف با عشق به زحمت
کشان براه انقلاب ایران و براه استقلال و آزادی ایران
گام نهادند.

دشمنان انقلاب ایران، دشمنان کارگران و زحمتکشان
کشان ایران بداند که اکثر نریمیمسا و مهدی را سبانه بجوخه
اعدام سپردند ولی اینان برای زحمتکشان و پویندگان راه
آنها نمرندند. بلکه در آسمان انقلاب ایران جاودانه شدند.
خون آنها و هزاران شهید دیگر انقلاب میجو شود و درخت انقلاب
ایران را بارور میکند.
دکترا سما عیل نریمیمسا از میان زحمتکشان برخاست،
با زحمتکشان بزرگ، بخدمت زحمتکشان در آمد و در راه زحمت
کشان شهید شد.

او معر فرهنگی، فقر غذایی و ننداری و ستم را با گوست
و پوست خود از آغا زندگی لمس کرد. در هفتگل در خانواده ای
کارگری در سال ۱۳۲۴ بدنیا آمد بعلت فقر در سال اول دبستان
را به مدرسه نرف و در خانه درس خواند. بعلت فقر غذایی و
بهداشت در دوره دبیرستان به مرض سل مبتلا شد. دو سال در
بیمارستان مسلولین بستری بود. دکتور نریمیمسا فقط تحت
تا سیر فکرونداری خانواده خود نبود، فقط دردها ورنجهای
خود و رانمی آزد، و تنها وضعیت خود و خانواده اش او را متاثر
نمی کرد. او از جاه و معاش و محیط دور و برش بیشترین تاثیر
را میگرفت. شیدا " از ظلم و ستمی که بر زحمتکشان میرفت
متاثر بود، ستمی بر میلیون ها انسان زحمتکش و خانواده
زحمتکش زیر یوغ امپریالیستها، سرما به داران وابسته و
انگل و اربابان مرتجع میرفت از این رو با ید میخروشید،
میخروشید بر علیه این ستمها. با ید روح و جسمش در خدمت به
آزادی این توده زجر کشیده در میآمد. او معلم شد تا چراغی
با سواد از این راه شعله بدهد و روشنایی، و راههای تاریک

بجسم آنها تسلی میداد بیک چیز میماندیشید، به آزادی زحمت کشان. به آن زمانی که زحمتکشان بر سرنوشته خودشان حکم برانند. به آن روزی که از دستگیری هیچ خبری نباشد.

در زمان حوادث دانشگاه، دکتر به کمک زخمیها شتافت دانشجویان زخمی در بیمارستان جندی شاپور محتاج مسداوا بودند. بوسیله ضدا انقلاب مرتجعین شناسایی شد. شاپور از قبل حکم دستگیری را صادر کرده بودند. همانها که در رژیم شاه دشمن زحمتکشان بودند. همانها که در سوسنگرد در تعقیب بودند همانها که در زمان انقلاب حکم تیرزدن به مردم مبارزان را صادر میکردند. چکمه پوشانی که بیمارستان جندی شاپور را در زمان رژیم شاه به گلوله بستند. همانها که میخواستند در راه سوسنگرد - اهواز ترورش کنند. همانها که حکم دستگیری را صادر کرده بودند از همان موقع حکم اعدامش را هم نوشته بودند. "جرم" دکتر نریمیا خدمت به زحمتکشان بود، این بار دشمنان زحمتکشان و انقلاب ایران که سحت پوش اسلام کار میکنند و قومه وژ - ۳ بدست میبروراند حکم دستگیری او را صادر کردند.

در زندانها دوباره با ایدانقلابیون صادق جا بگیرند. ساواکیها آزاد شوند. یعنی انقلاب بشمر نرسیده. یعنی که انقلاب دوباره قدرت میگیرد. یعنی که زحمتکشان آزاد نشده اند و برگردند آنها شلاق ستم فرود میآید بدست همانها که در رژیم شاه شلاق را فرود میآوردند.

این انقلاب خون میخواهد. خون گلسرخیها، دکتر رشوندها، نریمیاها و علویها و خون هزاران شهید دیگر کافی نبوده خون من و شما را میطلبند. راه آنها ما را میطلبند... تا از خاکستر ما کمونیستها این دره عمیق بین ستم و آزادی بر نشود به سوسیالیسم ورها بی انسان نمی رسیم... آری دکتر را دستگیر کردند. همراه با صدها دانشجوی آزادیخواه و مبارزان بزدان بردند. در زندان شهرداری زمانیکه با سداران دانشجویان بیدفاع را گلوله بستند دکتر هم آنجا بود و مهدی علوی هم چون در اعتراض به این اعمال جنایتکارانه صدایشان از همه رسا تر بود از بقیه جدایشان کردند. دکتر نریمیا قبل از دستگیری بعنوان گذارندن دوران تخصصی ارتوبیدی در بیمارستان جندی شاپور شاهره مشغول کار بود. بعد از قیام در این بیمارستان کمیته ای بریاست شخصی به اسم "لر" بوجود میآید. آقای لر شخص منحرفی بود و ضمناً با قداره بندان وژ - ۳ بدستاش هر وقت اراده میکرد هر بیماری را از بیمارستان بیرون میکشیدند و بیما رستان از هیچگونه منیتهی برخوردار نبود پزشکان هم بوسیله این افراد منحرف مورد تهدید قرار میگرفتند. بارهبری دکتر نریمیا و اعتراض دکترها و وزیدن آنها کمیته از بیمارستان برداشته میشود. و یک علت دیگر مخالفت کمیته های اهواز با دکتر مبارزنریمیا و دشمنی آنها چنین مبارزات دکتر بود... دکتر نریمیا را از تاریخ ۵۹/۲/۳ تا روز اعدام در زندان نگهداشتند و تحت انواع ناراحتیها و بیشرها و اوقات زندان، خانوادهاش هم از جایش مطلع

چهار پول دوایشان را هم میداد. آخر مگر این مردم میتوانند کسی را که آنهمه ما دقانه در خدمتشان بود از یاد ببرند آخر مگر این مردم میتوانند ساکت باشند و انتقام خونش را از قاتلین اونگیرند.

مرتجعین و نوکران امیرالایم بندانند که زحمتکشان وقتی حاکمان خود را بشناسند از آنان هرگز نمی برند و مرگ دکتر نریمیا برای مردم سوسنگرد و بقیه زحمتکشانی که او را میشناسند اگر چه غمی بزرگ است ولی او ما بیه افتخارشان است خون او انتقام میطلبد. انتقامی که بدست این زحمتکشان گرفته میشود و آن دیر نیست.

در سوسنگرد هم ساواک را حش نگذاشت در آنجا یک شیخ ساواکی (کرمی) که بعد از قیام هم دارای نفوذ فراوان است و از خدمتگزاران دولت جمهوری اسلامی میخواست از دکتر بنفع هوسهای خود سوءاستفاده کند. میخواست از دکتر گواهی برای خنثی کردن کارهای غیرانسانی خود بگیرد اما مگر خدمتگزار خلق میتواند خدمت به ضد خلق بکند. ناچار تحت تعقیب قرار گرفت (در سال ۵۶) و به تهران فرار کرد. برای مخفی کاری در تهران دوباره به دانشگاه رفت و در رشته اروم - لوژی ثبت نام کرد. ولی مبارزه راهش بود و خستگی نا پذیر راهش را ادامه میداد. از دانشگاه اخراجش کردند بجنوب شهر تهران رفت و در درگاههای آنجا مشغول شد دوران انقلاب شروع شده بود. خروش توده ها و مبارزه مردم و اعمال وحشیانه رژیم زخمیهای فراوان بجا میگذاشت. شبانه روز با زخمی معالجه میکرد و آنهم مخفیانه و دور از چشم ساواک. بعد از ۱۷ شهریور ۵۷ با هوا بازگشت. آخر در اهواز دکتر کمتر بود - آنانکه او را میشناختند از شواستند به کمک زخمیهای دوران انقلاب در اهواز بشتابید. همه آنها که در اهواز او را میشناختند - ستم میدادند که مریضهای دکتر در خانه ها بودند و از دسترس دستگاه جهنمی ساواک رژیم شاه مخفیانه با معالجه میشدند. در این راه سوال این نبود که تیر خورده و زخمی چه عقیده و مسلکی دارد هدف استقلال و آزادی ایران بود، هدف انقلاب بود و دکتر تمام وجودش را در این راه میگذاشت.

بعد از قیام دوباره بسوسنگرد رفت. به میان زحمتکشان آنجا که منتظرش بودند. دکتر مردم آنجا را خوب میشناخت و نیازشان را میدانست. روزها بسوسنگرد میرفت و شبها با هوا باز میگشت. یک بار در راه بوسیله پاسداران و آدمهای شیخ ساواکی (کرمی) که از قبل از انقلاب در تعقیبش بود مورد حمله قرار گرفت ولی جان سالم بدر برد.

دکتر نریمیا در جریان سیل و زلزله ایذه به کمک بیماران حادثه رفت تحت نام تیم پزشکی پیشگام در این جریان و جریان سیل خوزستان شرکت کرد. او خدمتگزار زحمتکشان بود و هر جا که زحمتکشان بیشتر با دنیا زدند بید آنجا میبود. در تمام مدتیکه از طریق پزشکی به زحمتکشان خدمت میکرد و

مورد شکنجه سختی قرار میگیرد بطوریکه تا یکماه در به راه رفتن نبود. در زندان با مبارزین کبییری چون فدائی شهید

مهدی علوی شوستری ۰۰۰

بقیه از صفحه آخر

چوپا نزا ده آشنا میشود. بعد از یکسال ونیم به زندان اوین در تهران منتقل می-گردد. بالاخره در سال ۵۶ از زندان شاه آزاد میگردد و چون بسیار ناتوان وضعیف شده بود برای مدتی تحت مداوا قرار میگیرد.

در اوایل سال ۵۷ از آنجا که شدیداً تحت تعقیب ساواک بود، به آمریکا عزیمت میکند. در آنجا فعالانه با نیروهای انقلابی و بخصوص هواداران جنبش مقاومت فلسطین وارد همکاری میشود. پس از پیروزی قیام سرخها به وطن باز میگردد و در ادامه انقلاب میکوشد. در هوازیبه همراه دانشجویان مبارزو سپس با دانشجویان هوادار بیکار فعالانه در راه انقلاب ویاری و آگاهی رساندن به زحمتکشان مبارزه میکند.

در جریان سیل خسوزستان فعالانه به یاری سیلزدگان میپردازد بطوریکه ۳ بار جانش بخطر می افتد. در روز سوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ در جریان دفاع از آزادی و حریت دانشگاهها دستگیری میشود و مورد نا جوانمردانه ترس بیناتهامات قرار میگیرد. از همان ابتدا معلوم بود که جانش در خطر است، زمانیکه نام و درکنار شهدای دیگر مؤذن و دانیالسی و حسینیه اعظمها وظا هرمی - گردد.

و بالاخره و درکنار شهید اسماعیل شریعیا بدست دژ-

بود. کلاس دوم دبیرستان بود که فسر را از فسفات جدا کرده و چراغ فسفری میسازد، در سال سوم اسپیرین را سنتز میکند و از زرین کاج تریا - نتین و گلو تان را جدا می - کند.

در تابستان سال ۵۵ در حین بخش اعلامیه همراه دو تن از یاراننش تحت تعقیب قرار میگیرد، ولی تنها او دستگیر میشود. در ادامه رده اطلاعات شهر بانی تحت شدیدترین شکنجهها قرار میگیرد. ۴۸ ساعت به بیضهها بیش وزنه می آویزند، بدرخت طناب پیچش میکنند، جریان برق از نقاط حساس بدنش عبور میدهند، ناخنهایش را می - کشند و بیرونی زخمها اسید می - ریزند، ولی او کسسه در راه آزادی ستمدیدگان عهد و پیمان بسته بود از فشای نامیاریانش خودداری میکند. پس از آزادی تا سال ۵۳ به فعالیت مخفی خود ادامه می - دهد.

در کلاس ششم دبیرستان بود که در سر جلسه امتحان دستگیر می کنند. در ۳ سال فعالیت مخفی خویش دست به اختراعاتی میزند. یک قفل صوتی اختراع میکند که بوسیله صوت مخصوصی باز و بسته میشود. دستگاه گیرنده و فرستنده ای با برد ۵۰۰ متر میسازد که بوسیله آن امواج بی سیمهای پلیس و ارتش را کنترل میکرد.

مر پس از دستگیری مجددا

حمله به چادر اتحادیه ۰۰۰

بقیه از صفحه آخر

فاشیستی صورت میگیرد. عوامل امپریالیسم و ارتجاع که هم در ارگانهای مملکتی در مدارج بالا و پائین نفوذ کرده اند، وهم از خارج از آن به خرابکاری، آتش سوزی و ایجا دجوهرج و مرج و تفرقه و نفاق افکنندن مابین نیروهای مترقی اعم از مذهبی و غیر مذهبی مشغولند. برای جلوگیری از این اقدامات فدا نقلایی و زمینه ساز کودتا و هرج و مرج باید فوراً به پای سرکوب منابع فدا نقلایی و ارتجاعی رفت. باید فوراً "مرتجعین و ضد انقلابیون، چه آنها که در ارگانهای مملکتی لانه کرده اند، و چه آنها که در بیرون از این ارگانها به فعالیت مشغولند، شبکه های فعال شده ساواک که به لطف عفو رژیم جمهوری اسلامی آزادانه به خرابکاری مشغولند و... فوراً" از طرف مردم شناسایی شده و به محاکمه کشیده شده و مجازات شوند. باید هشیاری خود را بیافزائیم، شبکه های فعال شده ساواک را تحت نظر گرفته و شناسایی کنیم، فدا انقلابیون را در هر مقام و موقعیتی و در هر لباسی که هستند افشاء کنیم، و هر حرکت مشکوک و فدا نقلایی را افشاء و محکوم سازیم!

زندان آتش گرفت. اشتعال آتش آنقدر زیاده بود که همه محتویات چادر در یک لحظه خاکستر گرد و خسارات زیادی ببار آورد. مرتجعین از تا - ریکی شب استفا ده کرده و چادر را تا ما "به نفت یا بنزین آغشته و بهمراه یک وسیله آتش زای دیگر چادر را آتش زدند و و درسیاهی شب نا پدیدگر - دیدند.

کسانیکه مرتجعانه به ستاد هواداران "اتحادیه... " حمله کردند همگان کسانیکه هستند که شب قبل از این واقعه انبار خواربار (رشن خانه) نفتون را آتش زدند، و همان کسانی اند که در دهات خرمن دهقانان ستم دیده را طعمه حریق میکنند. (ناگفته نماند که بلافاصله پس از آتش سوزی، رفت و آمدهای مشکوک و غیر طبیعی پاسداران و نگاه کردنها ی مشکوک تر آنها و متوقف نشدنشان جهت پرس و جو، هر کسی را به سوال و میداشت که اگر دستشان در کار نبوده است چرا تحقیق برای دستگیری عاملین آن نمی کنند!؟)

این حرکتها ی مشکوک و تفرقه افکنانه بدون شک توسط عمال جیره خوار آمریکایک، شاه مخلوع و بختیارو جهت تدارک یک کودتای

کمک های مالی خود را بهر

طریق ممکن ارسال نمائید

خیمان خلق بجوخه اعدام سپرده میشود. عمر کوتاه او و سراسر مبارزه بسود، او ایران است!

یادشان و آرمانشان جاودان باد!
مرگ برد ز خیمنان خلق!
مرگ برتسلیم طلبان و سازشکاران!
مرگ بر آمریکای وحامیان داخلی اش!

شورا های کارگری تحت

حمله

بقیه از صفحه آخر -

کردند، وضع شرکت به هم خورده و کارگران آن بین ۵ تا ۷ ماه و بیشتر حقوق خود را دریافت نکردند. تا پس از تلاشهای زیاده و تظاهرات و تحصن توانستند مقداری زحق خود را بگیرند. بیشتر کارگران در آن زمان افغانی و بلوچی بودند که رفتند.

بعد از مدتی دوباره شرکت شروع به استخدام کرده و مشغول کار شد. کار شرکت درست کردن ساختمان برای ارتش بود که بعد از مدتی وقفه دوباره شروع بکار کرد. شرکتی بزرگ با وسایل فراوان که تعدادی از وسایل آن را بعد از انقلاب سپاه پاسداران و شهرداری وجها دسا - زندگی بردند. در حال حاضر نزدیک به ۱۸۰۰ نفر کارگر دارند که اکثر ابومی و عمدتاً از دهات اطراف هستند (مسجد سلیمان).

از سه ماه قبل تا حالا حقوق کارگران را پرداخت نکردند و مثل اینکه دوباره میخواهند حق کارگران را بخورند! و بعد از مدتی مقداری پول به آنها داده و اخراجشان کنند، به ایمن بهانه که کار نیست، مصالح نداریم، و در این موقع طرح گسترش را پیش کشیدند.

طرح گسترش به ایمن صورت است که کارگران را به گروه های ۱۰-۱۵ نفری تقسیم کرده و یک مسئول دارند و هر گروه کاری انجام میدهد و به میزان کارشان حقوق میدهند. و روزی هم که

● "... پس کوحامی مستضعفین؟ ما هرجا میگردیم پیدا نمیکنیم! ... من با بنی صدر حضوری در مورد خواسته های کارگران صحبت کردم ولی فقط حرف زد و دیگه هیچ!"
● "برای گرفتن حق باید جنگید یا بکشند یا بکشیم!"

دیدند روز ۲/۴/۵۹ دست به شایعه پراکنی زده و وعده می دادند که: ما حقوق را میدهیم و گفتند که در شرکت دارند حقوق میدهند و کارگران بروند و حقوق بگیرند. یا اینکه: شورای شما کمونیستی است و در دست یکی کتاب کمونیستی دیده اند. بین کارگران بحث در گرفت. عده ای می گفتند: در ما فقط حقوق نیست اول باید وضع شرکت را معلوم کنند شاید این بول را داده و بعد بگویند کار نیست و اخراجمان کنند. عده ای هم باور کرده میخواستند برون شرکت که اعضای شورا برای کارگران صحبت کرده و گفتند ما چند نفر را میفرستیم تا ببینیم این حرف درست است یا نه. چند نفر رفتند و وقتی برگشتند گفتند که دروغ است و فقط چند نفر از عوامل کارفرما آنجا بودند. چند تن از کارگران و اعضای شورا در این مورد و افشای عوامل کارفرما و اینکه چرا مقامات مسئول نمی آیند به وضع آنها رسیدگی کنند و اینکه یکی از کارگران به علت گرسنگی و بیماری در گذشت برای کارگران سخن رانی کردند. و برای فردا یعنی ۳/۴/۵۹ اعلام راهپیمایی به سمت شهر میکنند. همان روز دوا تویوس پرپاسد را از دزفول و اهوازمی آوردند. شورا و تعدادی از کارگران شب در فرمانداری میمانند. در حدود ساعت ۴ شب است که یک اتوبوس پاسداریه محل فرمانداری آمده و به کارگران که خواب بودند یورش برده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می -

دهند و وعده های از آنها را زخمی کرده و وعده ای را با خود به سپاه پاسداران میبرند. و به علت گرما و تشنگی تقاضای آب می کنند که به آنها آب هم نمی دهند. بعد از مدتی آنها را رها میکنند. پاسداران حمله کنند دزفولی و اهوازی بودند. این حرکت سپاه پاسداران و مقامات، خشم کارگران را برانگیخت. کارگران میگفتند حق ما را نمیدهند کتکمان هم میزنند. این است دفاع از مستضعفین، این است بوسیدن دست کارگران.

روز ۳/۴/۵۹ در محل فرمانداری جمع شده و با خشم و نفرت از عمل شب گذشته شروع به راهپیمایی کرده، راهپیمایی را شورا ترتیب داده و از همه مردم و نیروهای انقلابی خواسته شد که از آنها پشتیبانی کنند. راهپیمایی به درگاه شرکت نفت رسید، چندین نفر از کارگران جلوفرفته و راه را باز میکردند. در همین حین یک ماشین که بلند کوداست و از طرف بازار به طرف فلکه پیش بانک ملی می آمد و میگفت: "کارگران پرسیزیون برون شرکت که دارند حقوق میدهند" کارگران جلوی او را گرفتند و گفتند چرا دروغ میگوئی پول نمیدهند. که منجر به درگیری میشود و فرد مزبور را میزنند، او هم خودش را داخل ماشین میاندا زد و میرود. در این موقع صف تظاهرات کنندگان به فلکه رسید و وارد مرکز شهر شد و شعار میدهند: مرگ بر سر - ما یه دار، مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع، حقوق حق مسلم ما است - حمایت از کارگران نبرد با آمریکا است، اینست آزادی ما، گلوله بر سینه ما، ادامه انقلاب نبرد با آمریکا است، اتحاد کارگران اتحاد علیه

شوراهای کارگری تحت

حمله

پا سدا ر دز فولسی ،
پا سدا را هـوازی ،
اخراج با یدگردد ،
کارگر ، کارگر ستون
انقلاب است ، ساواکی
دشمن انقلاب است .

بقیه از صفحه ۱۹

در این موقع یک ماشینی شرکت که دست یک پاسدار بود میخواهد بگذرد و همینطور می آید روی جمعیت که کارگران جلوی او را گرفته می - گویند این مال شرکت است آنها چرا میبرند و به ماشینی حمله کرده و شیشه آنرا می - شکنند و پاسدار را کتک زده و از ماشین بیرونش میکنند ، همه کارگران بخاطر شرب گذشته و اینکه به آنها تهمت آمریکا می و ضدا انقلاب زدند خشمگین هستند و پاسدار روپا هرکس دیگری که بخواد همدان آنها شود کتکش میزنند ، کارگران را نمی شود کنترل کرد ، خشم سراپای آنها را فرا گرفته و فریاد میزنند ؛ اینست آزادی ما گلوله بر سینه ما ، سازش هرگز - گسترش هرگز - نه سازش ، نه تسلیم ، نبرد با آمریکا - توطئه ، اخراج محکوم است ، محکوم است ، حمایت مردم از کارگر پرسیز - یون اساس وحدت ما است - ابودر ، ابودر ، دشمن سرما - به دار ؛ ماده ۳۳ ، ماده ۳۳ ، الفاء با یدگردد ؛ قانون کار سابق الفاء با یدگردد ؛ اتحاد اتحاد اساس وحدت ما است .

در فلک شماره یک شایع میکنند که به دکانها کردند و عده ای به سمت دکانها رفتند آنها میخواهند با این کار کارگران را پراکنده کنند ولی نتوانستند (از وسط شهر افراد پاسدار رووا بسته به آنها با لباس شخصی بین کارگران آمدند) .

امپریالیسم ، تفرقه و جدائی سلاح آمریکائی ، حمله پاسداران به کارگران پرسیزیون محکوم است ، مردم به ما ملحق شوید ، مردم به ما کمک کنید .

صف تظا هرکنندگان در محل سه راه همافران میایستند و جمعیت انبوهی از مردم در دو طرف خیابان ایستاده و بسه سخنان کارگران گوش میدهند ، چند نفر از کارگران در مورد حمله شب گذشته صحبت میکنند و جای کتک وزخمی شدن خود را به مردم نشان میدهند ، یکی از اعضای شورا در مورد خواسته ها ایشان و عمل دیشب و اینکه به کارگران تهمت میزنند صحبت کرد و گفت : "به ما می - گویند کارگران آمریکائی و اسرائیلی اند و ضدا انقلاب ، که میخواهند فرمانداری را بگیرند من میگویم کمی ضدا انقلاب است؟ ما کارگران با آنها که حقیق کارگر را نمیدهند و او را کتک هم میزنند؟ ما آمریکائی هستیم یا هیئت مدیره شرکت؟ یکی دیگر در باره وضع زندگی کارگران سخنرانی میکند و میگوید : "ما با این گرانی اجناس و بدهکاری چکار کنیم بازاری که از ما پولش را می - خواهد تا کی با ید اینطور باشد؟" در این موقع بین مردم بر سر مسائل کارگران بحث در میگیرند که همه از کارگران پشتیبانی میکنند ، دوباره صف حرکت میکنند و مردم در دو طرف خیابان آنان را همراهی میکنند و شعار میدهند ؛ شورا ، شورا سنگرز حمتکشان -

صف تظا هرات به مسجد میرسد در میدان مسجد یکی از اعضاء شورا برای کارگران صحبت میکنند در همین موقع درگیری هایی بوجود می آید که کارگران با هم و پاسدار بحث میکنند که محل تحصن اینجا باشد یا جای دیگر ، چون اول قرار بود که در مسجد تحصن کنند ، به علت درگیری ها عده ای میگفتند ممکن است همین طور کارگران را پراکنده کنند و اینجا بیشتر آسب پذیر هستیم و حمایت مردم کمتر بخورد و بیم محل تحصن را تغییر دهیم ، بعد از مدتی بحث و گفتگو محل تحصن را بیرون فرمانداری انتخاب کردند ، چون شب گذشته حمله کردند فرمانداری را از کارگران گرفتند و افراد مسلح شهر با نی را گذاشتند که کسی داخل فرمانداری نشود .

داخل و بیرون مسجد بحثهای زیادی بین کارگران و شورا و ربانی اما جمعیه شهر و مردم بر سر مسائل کارگران در گرفت و ربانی می - خواست که کارگران را بهمان گرفتن دوسه ماهه و طرح گسترش راضی کنند که کارگران مخالفت کردند ، در ضمن در این مدت یعنی از موقعی که کارگران به محل مسجد رسیدند ، کارشکنی عده ای و درگیری ها برای مدتی کنترل کارگران را از دست شورا خارج کرد و میرفت که حرف ربانی غالب شود ولی کم کم شورا توانست آنها را کنترل کرده و بگوید که فردا در بیرون فرمانداری جمع شوند .

در مدتی که کارگران در مسجد بودند یکی از مسئولین شرکت که با ربانی آمده بود میخواست صحبت کند که کارگران او را پائینی آورده و کتکش زدند ولی عده ای او را دوره کردند و از مسجد بیرون بردند ، حرفها را بین کار -

گران و ربانی رد و بدل شد و کارگران او را زیر سؤال گرفتند و او میگفت که من عمل شب گذشته را محکوم میکنم ولی هیچ به نتیجه ای نرسیدند و کسی از او قبول نمیگردد ، در حیات مسجد کارگری میگفت : "برای گرفتن حق با ید جنگید یا بکشند ، یا بکشیم" .

روز ۵۹/۴/۴ کارگران در فرمانداری جمع میشوند ، داخل فرمانداری افراد شهر با نی با ۳ ایستاده اند ، کارگران در مورد خواسته های خود وضع زندگی خودشان صحبت میکنند ، بعد از مدتی ربانی پیدایش میشود و میگوید : "من رفتم دنبال کار شما و با مسئولین شرکت صحبت کردم و گفتند که اخراج نمیکنند ، با بقیه کاری و حقوقتان را هم میدهند ، ولی با یدیک بر که را ا مضاء کنید" . یک برگ از جیبش در می آورد و متن آنرا می خواند و میگوید : "از این بعد شما دیگر بطریق گسترشی کار نمی کنید و بروید حقوق را از شرکت بگیرید" ، که صدای کارگران در آمده و اعتراض میکنند و در همین موقع مقداری از آن برگها را در آورده و بین کارگران پخش میکنند و دوباره جو را مشتج میکنند ، عده ای که زیاده آگاه نبودند از بی پولی و گرسنگی باور کردند و می - خوانستند و برود شرکت و حقوق بگیرند ، که کارگران آگاه از این طرح را برای کارگران روشن میسازد ، که اولا حقوق سه ماهه حق ماست و هیچ چیزی را ا مضاء نمیکنیم و با ید طبق معمول حقوق خود را بگیریم و ما نمی دانیم این طرح گسترش چیست و بعد چه خواهد شد ، یکی از اعضاء شورا گفت "امضاء کردن این برگ یعنی ا مضاء کردن حکم اخراجی خودتان" و صحبت های دیگر که با ید به نتیجه نمی رسد و

سورا های کارگری تحت

حمله

کت ما یک شرکت هلندی با سرمایه ۳۲۵ میلیارد دلار است و هلند یک کشور امپریالیستی. و ما خواستیم و گفتیم که اموال این شرکت باید مصادره شود و لیس...

بقیه از صفحه ۲۵.

نگذاشتند و کارشکنی کردند و طرف آنها را گرفتند. پس کو حاشیه میگردیدیم پیدا نمیکنیم و من با بنی صدر حضوری در این مورد و در مورد خواسته های کارگران صحبت کردم و لیس فقط حرف زد و دیگر هیچ. در نیایان، کارگران را تشویق به حمایت از سورا کرد. بعد از سخنرانی کارگران برای او دست زدند و همه به وجد آمدند که نماینده بایند این طور باشد! سخنرانی این کارگزاران شیرخوبی بر روی روحیه کارگران گذاشت و کارگران شعار سورا، حق مسلم ما است - سازش هرگز، کسترس هرگز را دادند. چند نفر از کارگران صحبت کردند و بعد قرار شد سورا با هیئت مدیره و مسئولین مذاکره کنند. این که چکار کنند و به این طرح چه جوابی بدهند و سورا چه تصمیمی میگیرد بعد نتیجه را اعلان خواهند کرد و قرار شد فردا ۵/۴/۵۹ کارگران در تشکیلات شرکت جمع شوند.

در حاشیه

۱ - نکته قابل توجه این که در طی این چند روز کارفرما و عوامل کارفرما و سپاه با سداران و مسئولین سهر به عناوین مختلف میخواستند و میخواستند که سورا را از کارگران جدا کنند، از طریق تهمت زدن و... که تا حالا این نقشه ها نگرفت و کارگران از سورا حمایت میکنند. کارگران شرکت خوب میدانند

ربانی میروند. سورا گفت ما خودمان می آئیم صحبت میکنیم تا قضیه را روشن کنیم و بعد به کارگران اعلام میکنیم. کارگران گفتند ما سورا داریم و هر چه که سورا گفت. در همین موقع یکی از اعضاء سورا از یک کارگر که نماینده شرکت ویل کون- اینترنشنال (یک شرکت هلندی که به همین سرنوشته طرح گسترش دچا شدند) دعوت کرد که در این باره سخنرانی کند. این کارگر خیلی خوب ماهیت این طرح را برای کارگران روشن کرد. در قسمتی از حرفها پیش گفت: "این طرح جدیدی است که بعد از انقلاب بوجود آمد و میخواهد ما کارگران را مهار کند". کارگران همین شرکت ویل کون... و شرکت دی در نزدیکی سوئتر و ویسک شرکت دیگر که در حدود ۳۵۰۰ کارگر بودند دچا همین طرح گسترش شدند و تعداد ۲۰ هزار و خرده ای از کارگران حالا بیکار هستند و علت این امر چنین توضیح داده و گفت: "چرا شرکت ها سد کو... حق بیکاری میگیرند ولی کارگران شرکت هلندی ما حق بیکاری هم نمیگیرند؟ علت چیه، فقط اتحاد آنها اتحاد استند ولی ما نداستیم و آنوقت شما دنبال آقای ربانی میروید. شما باید دنبال سورا خودتان بروید. این گسترش فقط جدا کردن شما کارگران از هم دیگر است". این کارگر در مورد اخراج خود رای آب و برق اشکاری کرد و در مورد شرکت خودشان که یک شرکت هلندی است گفت: "شرکت

که شورای واقعیشان حاشیه منافع آنها است و سورا هم تا بحال زحمات زیادی کشیده است.

۲ - در یکی دوروز اول تحصن کارگران همه پراکنده بودند. بعضی داخل و بعضی بیرون فرما نداری بودند و یک انجمن درست نداشتند و سورا سعی زیادی در جمع آوری آنها و صحبت کردن با آنها را نداشت و در چند مورد که میخواست این کار را بکنند خالی از اسکا ل نبود. در اینگونه مواقع با پیدا از جمع کارگران استفا ده کرد و وسط طرح آگاهی کارگران را بالا برده و موضوعاتی پیش کشید که کارگران خسته و دلزده شوند مثلا دعوت و حضور نماینده کارگران یک سرکب دیگر که بدام طرح گسترش امتداد و بیکار رسیده بودند، از دست آوردن های خوب سورا است.

۳ - روز سوم، راه- بیمائی بود. با سورا راه- بیمائی را میتوانست بهتر سازماندهی کند. سورا در بعضی از مواقع حالت قهر کردن به خود میگردید و در چند مورد کنترل کارگران از دستشان خارج میشد. مثلا در مسجد که درگیری هایی رخ داد و دربار نی آخوند آموه و برای کارگران صحبت میکرد که میخواست مسیر مبارزه آنها را منحرف کند، سورا در سرت نمیدانست چکار کند. و در روز بعد (۵/۴/۵۹) موقعی که ربانی آمد با لایحه جورا منسج کرد. که اینها از ضعف سورا و عدم آگاهی کامل از روان- سنا سی کارگری است. و علت دیگر این که کارگران عمدتاً یا سواد ندارند و یا کم سوادند و سطح آگاهی بالایی ندارند، و بیشتر از دهات اطراف هستند.

"حقیقت"
ارگان اتحادیه
گه نویستهای ایران
را بخوانید و در
میان مردم پخش
کنید.
گمگهای مالی
خود را به هر طریق
ممکن ارسال کنید

۴ - کارگران جملگی به سورا معتقد و خیلی خوب از آن پشتیبانی میکنند و این

پشتیبانی کارکنان نفت از اقدامات انقلابی

'شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز'
مردم شرافتمند اهواز!

هما نظور که کم و بیش اطلاع دارید شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز از زمتی پیش اقدام به پاکسازی افراد جانی و وابسته به رژیم خائن پهلوی کرد. که با کارشکنی های زیادی روبرو شد. از جمله این افراد سنگ انداز زمین فرمیبا شند که تا آنجا که در قدرت داشت از جریان پاکسازی این افراد جلوگیری کرد. و نمایندگان شورا با مراجعت مکرر به تهران با تمام مقامات مسئول تماس گرفته و پیرونده های افراد شامل پاکسازی را در اختیار آنسان گذاشت. که متاسفانه هیچگاه این امر صورت نپذیرفت. تا آنجا که نمایندگان شورای مرکزی صنعت نفت اقدام به جلوگیری از ورود افراد به محل کارشان کرده و در مدد قطع حقوق و مزایای آنان نیز میباید. این افراد خائن که ضد انقلاب واقعی و مطمئنا در رابطه با توطئه های امپریالیسم آمریکا مشغول انجام کارهای هستند، مانند علی اشرف گرامی که با همکاری حکومت نظامی طراحی سرکوب و اعتصابات کارکنان نفت را ریخته بود. حتی بعضی از این افراد بخارج از ایران فرار کرده ولی هنوز حقوق و مزایای از سرکت نفت دریافت میکنند. لازم به یادآوری است که شورای مرکزی تصمیم به فضای اسناد و مدارک موجود در رابطه با این افراد خائن را دارد. لذا از کلیه همشهریان عزیز تقاضا داریم بخاطر تدابیر مبارزه ضد امپریالیستی و جلوگیری از هرگونه توطئه عوامل داخلی آن (امپریالیسم) با پشتیبانی قاطع خود از اقدام شورای مرکزی وظیفه انقلابی خود را انجام دهیم. دریایان از شورای مرکزی کارکنان صنعت نفت مصرا نه خواستار افشای هر چه زودتر مدارک خیانت عناصر پاکسازی شده هستیم.

عده ای از کارکنان نفت

۵۹/۴/۲

هما نظور که خوانندگان عزیز و کارگران قهرمان اطلاع دارند، از حدود ۹ ماه پیش "شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز" اقدام به پاکسازی و تصفیه بیش از ۶۰ تن از عوامل ساواک و وابسته به رژیم شاه مملوع نموده است. ولیکن در راه این اقدام انقلابی از طرف کلیه مقامات مسئول کارشکنی به عمل آمده است. این اقدام انقلابی مورد تائید اکثریت سکننده کارکنان صنعت نفت میباشد. عده ای از کارکنان صنعت نفت با مدور اطلاعیه ای، رای این اقدام انقلابی بستی - پاسی کرده و از مردم اهواز نیز خواهان دفاع از این حرکت شده اند.

که راهس را تا بیروزی نهائی خواهیم رفت.

مرکز بردر حیمان حسنی

مرکز برتسلیم طلبان و مبارزان

مرکز برآمریکا و حامیان داخلی

اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز

۵۹/۴/۱۱

دوساره آسمان انقلاب ایران عاودا به سد

بقیه از صفحه ۱۷

نشود.

دوروز قبل از محاکمه دکتر کارکنان "دادگاه انقلاب اهواز" یک محض ساخکی برآه انداختند و با ملاح خواستار طاعت سسر بودند. همیطور در همان روزها بهیسی رئیس دیوان عالی کشور "عمو شورای انقلاب" با اهواز آمدن بکار دادگاهها رسیدگی کند و ارکار دادگاهها اظهار رضایت کرد. در همین زمانها با دسر رئیس جمهوری از طرف خانواده دکتر نماین گرفته شده بود و به بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی همجران اطلاع داده شده بود.

..... که سون برکنان خواستار محاکمه علمی او بود. بهیج کدام را س در خواستها سوجه سد. سرانجام در ساعت ۳ با صداد روز جمعه ۵۹/۴/۶ دکتر را همراه با مهدی علوی دانشجوی مبارز هوا دار بیکار و وحید سرفردیکر سربازان کردند.

جسزه دکتر را وسی خانواده اش تحویل گرفتند پهلوی او بوسیله دستها سرنیردنگا منده بود و کلیه سبب بیرون افتاده بود. در بیسی آنرا ضربه مشاهده شد. جای ۸ گلوله در بدنش دیده شد. در صورتی آنرا رلیخند هنوز وجود داشت. لبخندی که حاکی از امیدواری به پیروزی انقلاب بود، امیدواری به پیروزی زهمگنان، لبخند بمرگ، امید به

تا مجلس کساره

بقیه از صفحه ۲۳

به هراسم و دینی افساء و طرد کنند.

حزب جمهوری اسلامی و دارودسته بنی صدر میخواهند ما را با زیجه قدرت طلبی و دسته بندی های خودمان بکنند. مریب آنها را نخوریم و به خودمان و نیروهای واقعا انقلابی منگی باسیم. ملت ایران انتقام خون شهدای خود را با ادا صد و تشدید مبارزه بر علیه آمریکای جنایتکار و تمام عمل وهم - دستان داخلی او سازگار و تفرقه افکنان خواهد گرفت!

اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز

۵۹/۴/۵



بچه های محل هم بدببال آن بطرف کميته سرازير شده بود ند. در راه مردم با ما ابراز همستگي مي- کردند و خطاب به ما -

حمله به کما بفرسي هاي باري آباد

عالمين کسار

بقيه از صفحه آخر

حال بايد برسيد چه کساني به اين توطئه ها با مي دهند؟ عملا به آن کمک ميکنند؟ چه کساني بجاي افشاي ليست سا- واکي ها و محاکمه و مجازاتشان آنها را عفو کردند تا به جنايات سان ادا مدهند و بجاي آن دسته دسته دانشجويان و کارگران مبارزان بيزندان انداختند و يا اعدام کردند؟ چه کساني بجاي دميدن به آتش خشم ملت بر عليه آمريکاي جنايتکار و نوکران داخليس مردم را در دانشگاه و کارخانه و خيابان به جان هم انداختند؟ چه کساني بجاي مبارزه با دشمنان ملت به سرکوب سروهاي انقلابي پرداختند؟ مگر اعمال و توطئه هاي تفرقه افکنانه حزب جمهوري اسلامي که يک نمونه اش از زبان "آيت" بيرون آمد به همين اعمال جنايتکارانه آمريکا کمک نمي - کند؟ مگر حمله به سوراها در کارخانه ها و سرکوب کارگران ، مبارزان خلق کرد و غيره که بنی صدر خيلي بي مينا زد بر هم زدن وحدت ملت نيست و به آمريکا خدمت نمي کند؟ آقای غرضي استاندارد خوزستان در سخنرانيش بر سر مزار شهدا بجاي تشنه گرفتن آمريکاي جنايتکار رومز دوران و جاسوسان داخليس چرا خصمانه ترين حمله ها را بر عليه " مجاهدين " و " حبيها " متوجه کرد؟ چه کساني به ملت ميگويند دشمن تونه آمريکا بلکه مجاهد و جويي است؟

مستولين امرجاي مقابله با عالمين جنايات بمب کذاريها تنها بلدندان فرصت استفا ده گنند و به بها نه اينکه دکه هاي فروندهاي بي حيز گنار خيابان ميتواند براي بمب گذاري مورد استفا ده قرار گيرند تا آنها را ببرند؟! ماضی تسليم به خانواده هاي شهداي واقعه غمانگيز انفجار بمب و مردم ايران به ملتمان هشدار ميدهيم وحدت خود را حفظ و مسحکم کنيد و سلاح را بسوي دشمنان اصلي بگيرند . تفرقه افکنان را در هر رنگ و لبايي و بقيه در صفحه ۲۲

مان رابه کميته مرکز بفر- بگويم اينکه در کميته به نما- ستند . ۲ نفر دستگير شده به- بندگان ما گفته بودند که يکي هم راه ۴ نفر نماينده به- از حاجي هاي با زار دوم سکايتي کميته مرکز رفتند و بقيه به- داشته بوده و چند نفر ديگر هم محل خودمان با زکستيم در- زير آنرا امضاء کرده بودند که همين هنگام چند نفری کسه- کتا بفروشا خدا نقلابيند و آگاهتر نبودند و کارکنه تر- مزاحم کاروکسب مردم " حالا سيسنها دايجا دشوراي کتا ب- فهميدند چرا در ابتدا گفتم که مروشان با زار دوم نازي آباد خفا شان شت برست با آگاه رادادند که با استقبال همکي- دن مردم مخالفتند . در ضمن روبرو شد و کتا بفروشا دور هم ما هم استشها دي نوشتيم مبنی جمع سه وا اختلافات گروهی و براينکه ما خدا انقلاب نبوده و خود را اين رابطه گنار- مزاحم کار هيچکس هم نيستيم و عده زيادي از مردم زير آنرا گذاشته و با استخاب نمايند- اضا کردند و ما آنرا سيمراه اسحا دبا هم دادند و در همين سکايتي عليه آن حاجي بخاطر تهمت ناروا به کميته داديم ! * بدبل اريکي ارکتاب * مروشان باري آباد *

بيم دارسنا حه رسیده خورسند . موران کميه ميگفتند " اگر آري کساي که حافظان ما- راست ميگوئيد بيرويدگران - فع سرومندان و مسکيرينند و منافعتان مي طلبد که مردم رادربا آکا هي نکهدارند تا اربا بانسان بسوا سدخون ما رانيسه گنند . و حالا که به برکت انقلاب شکوهمتسند و مقدس مردم ايران امکاناب اين فراهم شده که ما در محلات بائين و به راحتی به کتا ب- هاي مذهبي مترقي و علمي دسترسي پيدا کرده و آکا هي خود را بالا ببريم ، خون خون آنها را ميخورد و هر آن دنال بهانه اي ميکردند تا اسس جويبارهاي آکا هي راهم بروي ما ببسند و ولي هيها که ما آزاديهاي با خون بدست آمده را تا پاي جان حفظ خواهيم کرد . بهر حال صبح رورچهار رشنبه ۴ سرماه رسيد و ما موران کميه سراع دوس از کتا بفروشان محله ما آمدند و قصد گرفتس آنها را کردند که کليه کتا بفروشا که از قبل همه ما هم عهد کرده بوديد بطرف ما موران کميه رفسد و گنند که اگر ميخواهد دوسان ما را سرب ما راهم بايد سربد . هر آن بر تعداد جمعيت افزوده ميکرديد و اسفا مت و اسحا د کتا بفروشا کميته اي ها را از حرکت سار داشنه بودگار به جايي رسده بود که ما موران کميه از سب از دهام مجبور سنده همکي را با هم به طرف کميه بسربد ، دو سرف دوست ما به همراه ما موران کميه از خلوص طوئل ما

موران کميه ميگفتند " اگر راست ميگوئيد بيرويدگران - سروشا را دستگير کنند ، حرا سحه هاي مردم را براي فروش کتا ب ميگيريد . تا با لآخره به جلو کميته رسيديم و در آنجا کميته ايها از ترس " نخريب " محلمان ورود ما جلوگري کردند و خطاب به ما گنند چند نفر از بين خود بعنوان نماينده انتخاب گنيد و ما ۴ نفر را انتخاب کرده و به درون فرستاديم . دوسان نماينده ما در درون کميه شروع به اسما گنري سموده و گفتمند " اگر شما راست ميگوئيد سرويد سا واکيها را که همين ديرو در حيا بان مراسم بطهرا ب بنفع شاه داسه اسدا دستگير کنيد ، بروند آن مرجعيس و عنا صر و ابسه اي را که برروي ديوار ها سار بخياري مينويسند و رادوهاي صدا بقلابسي را سلع ميکنند دستگير کنيد بروند آتپايي را که زمينه ها را سار ايحا دسا راضي بيس مردم آ ماده ميکسند و هر رور ي کرده اي مبرصا سد بگيريد و اگر و اسحا در فکر انقلاب مردم هستيد کساي را که در مرکز کودتا بيد و يا زمينه آنرا ميسارند محازا ب گنند و ... " اسما گري هاي دوستان ما مورافتا دو عده اي ارباس- داران زحمتکس حرفهاي دوسان ما را تا ثيد ميکردند و بسا حا رآنها گريکي در کفس داسد و از اين حرفها نازا ح- مسدند بصميم گرفته دوسان-

مهدی علوی شوشتری ★ دانشجوی شهید



آغا زکرد. کلاس هفتم بود که به تهران رفت و در تهران با یک دستگاه تکثیر اعلامیه دستگیر میشود. در این موقع در ارتباط با گروه "آرمان خلق" به فعالیت مشغول بود. هفت ماه در زندان و در زیر شکنجه گذارند و برای ادامه مبارزه آبدیده گشت. بعد از آزادی به اهواز بازگشت و در یک کارگاه مشغول شده و در عین حال به تحصیل خود نیز ادامه داد. مهدی شهید از نبوغ فوق العاده ای برخوردار بود. بقیه در صفحه ۱۸

شهید مهدی علوی شوشتری در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۲ در اهواز بدنیا آمد. اگرچه در خانواده ای مرفه بدنیا آمد، ولی خیلی زود با دردها ورنجهای ستم دیدگان جامعه آشنا گشت و از نوجوانی در راه آزادی آنان کوشید. از کودکی کنج او و حساسیتی فوق العاده به محیط اطراف خود نشان میداد. به مطالعه علاقه زیاد داشت. در کلاس چهارم دبستان نمايشنامه ای نوشت و خودش هم آن را اجرا کرد. مهدی از کتابهای معلم شهید و جاب و بید صمد و تبلیغ آنها

عاملین این انفجارات و کشتار مردم پید فاع و بی گناه چه کسانی هستند؟

با ردیگرستان توطئه گرا مبریا لیسما ز آستین جناب - یکتاران ساواک و مزدوران یعنی بدرآ مدو با عث کشته و زخمی شدن عده ای از مردم زحمتکش و طمان شد.

روز سه شنبه حوالی ساعت ۱۱ بعد از ظهر در خیابان سعدی اهواز بمبی منفجر شد که حدود ۱۱ تن کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی بجای گذاشت. این جنایت گریزناک و خشمناک مردم شرافتمند اهواز را بر علیه عاملین خونخوار آن برانگیخت. شبکه های ساواکی، دارو دسته های جاسوس و خراب کار مرتبط با بختیا روزیبه در خارج، مزدورانی که با امثال مدنی دریا دار آریا - مهتری که هنوز راست راست میگرد و سران شاه پرست و آمریکا پرست ارتش چون فلاحی و ظهیر نژاد مربوطند عاملین این جنایتند و هم برای آمریکا کار میکنند. هدف این حرکات جنایتکارانه برهم زدن شور و ایستادگی ملت در برابر مبریا لیسما، درهم ریختن وحدت مسردم و زمین چینی برای کودتای خونینی بزعلیه انقلاب مردم ایران است.

شوراهای کارگری تحت حمله

با ردیگر کارگران پرسیزیون دست با اعتماد و تطاهرات ردد شرکت پرسیزیون یک شرکت اسرائیلی بوده که سها مداران قیام که سها مداران آن فرار عمده آن اسرائیلی هسا و بقیه در صفحه

چه کسانی چادر ستاد تبلیغاتی هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران در مسجد سلیمان را آتش زدند؟

ساعت ۱۲ نیمه شب یکی از چادرهای ستاد هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران " در مسجد سلیمان در یک چشم بهم بقیه در صفحه ۱۸

حمله به کتابفروشی های نازی آباد

از روز قبل در اطراف بازار دوم نازی آباد عده ای میگفتند که کمیته قصد دستگیری کتابفروشها را کرده است. آخرجا هلان ویرجمداران ظلمات و ناآگاهی از اینکه شمع های هر چند کوچک در درون دالانهای تاریک اجتماع یعنی محلات زحمت کشی بر فروخته گردند و سا روشنائی خود مردم و جوانان محلات جنوب را آگاه ساختند و کمکی در جهت برآه انداختن ماها برای احقاق حقوق خود باشند، بیم دارند. آرزو خفاشان شب سیاه و تاریک از درخشیدن ماه هم در آسمان بقیه در صفحه ۲۳